

تفسیر سوره احزاب

حاج شیخ محسن قرائتی

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱

آیه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ترجمه

ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها

کلمه ی «اینها» به دنبال حرف ندای «یا» برای آن است که غیر از مخاطب، دیگران نیز متوجه باشند؛ وقتی گفته می شود: «یا رسول الله» مخاطب، تنها پیامبر است، ولی «یا ایها الرسول» یعنی: ای مردم! من پیامبر را صدا می زنم.***تفسیر کبیر فخر رازی***.

پیام ها

۱ - پیامبر اسلام، در پیشگاه خداوند مقام خاصی دارد. «یا ایها النبی» (در قرآن سایر انبیا با نام خوانده شده اند؛ یا ابراهیم! یا نوح! یا موسی! یا یحیی! ولی «یا محمد» در قرآن نیامده است.)

۲ - حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، به موعظه ی الهی نیازمند است. «یا ایها النبی اتق الله»

۳ - دستور به پیامبر، در حقیقت دستور به پیروان است. «یا ایها النبی»

۴ - با احیای معروف، جلو منکر را بگیریم. (اول، اطاعت از خدا، بعد دوری از کافران و منافقان) «اتق الله و لاتطع الکافرین و المنافقین»

۵ - پیروی از کافران و منافقان، بی تقوایی است. «اتق الله و لاتطع الکافرین و المنافقین»

۶ - کفار و منافقان در نظر دارند به هر نحو ممکن نظر رهبران دینی را به خود جلب کنند. «لاتطع الکافرین و المنافقین»

۷ - زمانی می توان با انحراف ها و پیشنهادهای سازشکارانه مبارزه کرد که ایمان و تقوا قوی باشد. «اتق الله و لاتطع»

۸ - کافران و منافقان در یک خط هستند. «الکافرین و المنافقین»

۹ - اطاعت از خدای علیم و حکیم توجیه دارد، «علیماً حکیماً» ولی پیروی از کافران و منافقان بی علم و حکمت چه توجیهی دارد؟ «اتق الله... علیماً حکیماً»

۱۰ - سرچشمه ی دستورهای خداوند مبنی بر ترک اطاعت از کفار و منافقین، علم و حکمت اوست. «علیماً حکیماً»

توضیحات

سیمای سوره ی احزاب

این سوره در مدینه نازل شده و هفتاد و سه آیه دارد.

یهودیان مدینه، مشرکان مکه و منافقان پنهان در میان مسلمانان، در سال پنجم هجری برای جنگ با مسلمانان متحد شدند و پیامبر و یارانش در برابر هجوم آنان، در اطراف مدینه خندق کردند.

این جنگ از آن جهت که توسط گروه های مختلف برنامه ریزی شد، جنگ احزاب، و از آن جهت که مسلمانان برای دفاع از خود، خندق کردند، به جنگ خندق معروف شد.

در مجموع، هفده آیه از این سوره درباره ی جنگ احزاب است و چون در آیات ۲۰ و ۲۲، سه بار کلمه ی احزاب به کار رفته، لذا این سوره، «احزاب» نام گرفته است.

علاوه بر جنگ احزاب، مسائلی در مورد ظهار و طلاق جاهلی، احکام پسرخواندگی، موضوع حجاب و توجّه به معاد در این سوره مطرح شده است.

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲

آیه

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ترجمه

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

پیام ها

۱ - هرگاه راه انحرافی را می بندید، راه روشنی را باز بگذارید. «لا تطع - واتبع»

۲ - راه رسیدن به تقوا، تنها پیروی از وحی است. (در آیه ی قبل فرمود: «اتق الله»، در این آیه می فرماید: «اتبع ما یوحی الیک»)

۳ - وحی، از شئون ربوبیت خداوند است. «من ربک» (پیروی از وحی، وسیله ی رشد و تربیت شماست.) «ربک»

۴ - ایمان به علم الهی، قوی ترین اهرم برای پیروی از وحی است. «واتبع ... ان الله... خبیر»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴،۳

آیه

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ الْأَيُّ تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ

ترجمه

و بر خداوند توکل کن، و همین بس که خداوند وکیل و نگهبان (تو) است.

خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است؛ و هرگز همسرانی را که مورد «ظهار» قرار می دهید مادران شما قرار نداده؛ (و نیز) فرزند خوانده های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این (قرار دادن همسر به منزله ی مادر و فرزند خوانده به منزله ی فرزند) سخنی است که شما به زبان می گوید، و خداوند حق می گوید و اوست که به راه (راست) هدایت می کند.

نکته ها

«ادعیاء» جمع «دعی»، به معنای ادعا و نسبت فرزند و یا چیزی دیگر به دیگران است.

«ظهار» یعنی آنکه مردی به همسرش بگوید: تو همچون مادرم بر من حرام هستی. این کار که در زمان جاهلیت به عنوان نوعی

طلاق رسم بوده، حرام است و کفاره دارد. برای توضیح بیشتر به کتاب های فقهی مراجعه کنید.

قرآن، احساسات و عواطف و گرایش های درونی را به قلب انسان نسبت می دهد.

پیام ها

۱ - پیروی نکردن از کافران و منافقان و پیروی از وحی، مشکلاتی دارد که راه مبارزه با آن توکل به خداست. «لا تطع - واتبع - و

توکل»

۲ - سعی کنیم دلیل دستورها را بیان کنیم. «توکل علی الله - کفی بالله وکیلا» (کسی که خدا دارد چه ندارد؟)

۳ - گرایش های قلبی و فطری انسان، یک چیز بیشتر نیست و هر چه انسان بر خلاف آن بگوید یا عمل کند، نفاق شخصی اوست نه

اراده ی الهی. «و ما جعل الله لرجل من قلبین»

۴ - در یک دل، دو دوستی متضاد جمع نمی شود. «من قلبین» (دوستی و پیروی از وحی، با ولایت و پیروی از کافران و منافقان

سازگار نیست.)

۵- رابطه ی پدر و مادر با فرزند، یک رابطه ی حقیقی و طبیعی است نه تشریفاتی و قراردادی. (نه همسر، مثل مادر می شود، «ما جعل ازواجکم الآئی تظاهرون منهنّ امهاتکم» و نه فرزند خوانده، فرزند می شود. «ما جعل ادعیاتکم ابنائکم»

۶- یکی از وظایف انبیا، زدودن خرافات از جامعه است. «ما جعل... ذلکم قولکم بافواهم»

۷- معیار حقّ و باطل، وحی الهی است، نه رسم و رسوم و آداب و عادات اجتماعی. «ذلکم قولکم بافواهمک و الله یقول الحقّ»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵

آیه

أَدْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً

ترجمه

آنان (پسر خواندگان) را به نام پدرانشان بخوانید، که این نزد خداوند عادلانه تر است، پس اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنان برادران دینی و موالی شما هستند؛ و در آنچه (پیش از این) خطا کردید (و پسر خواندگان را فرزند خود دانستید) گناهی بر شما نیست، ولی در آنچه دل هایتان قصد و عمد داشته (مسئولید) و خداوند آمرزنده ی مهربان است.

پیام ها

۱- رابطه ی نسبی افراد را با پدران واقعی شان حفظ کنیم. «ادعوهم لابائهم» (در شناسنامه ی افراد باید نام پدرشان باشد).

۲- با افرادی که پدرشان شناخته شده نیست، محترمانه، عاطفی و برادرانه رفتار کنیم. «فاخوانکم فی الدین» (افراد در جنگ ها اسیر و سپس مسلمان می شدند، ولی مسلمانان پدر آنان را نمی شناختند).

۳- «برادر دینی»، یک اصطلاح قرآنی است. «اخوانکم فی الدین»

۴- برده های آزاد شده ای را که پدرشان معلوم نیست، دوست و مولی بخوانید. «و موالیکم»

۵- قصد، نیت و آگاهی، در ارتکاب جرم مؤثر است. «اخطأتم - تعمّدت قلوبکم»

۶- تغییر آگاهانه ی شناسنامه ها و نسبت ها جرم است. «و لکن ما تعمّدت قلوبکم»

۷- به حساب نیابردن گناهان غیر عمد و خطایی، برخاسته از آمرزندگی و مهربانی خداوند است. «لیس علیکم جناح فیما اخطأتم... و کان الله غفوراً رحیماً»

۸- مغفرت خداوند همراه با مهربانی و شفقت است. «غفوراً رحیماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۶

آیه

الَّتِیْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَآئِكُمْ مَعْرُوفاً كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً

ترجمه

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او (در حرمت نکاح مانند) مادران مؤمنان محسوب می شوند، و در کتاب خداوند، خویشاوندان (نسبی) بعضی نسبت به بعضی از مؤمنان و مهاجران (که قبلاً بر اساس ایمان و هجرت ارث می بردند، در ارث بردن) اولویت دارند، مگر آن که بخواهید نسبت به دوستانان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را در قالب وصیت به آنان بدهید)؛ این (حکم) در کتاب (الهی) نوشته شده است.

نکته ها

در تفسیر مجمع البیان می خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله میان مسلمانان (انصار و مهاجرین) عقد اخوت برقرار کرده بود، به گونه ای که مثل برادر حقیقی از یکدیگر ارث می بردند، زیرا مهاجران در آغاز، از وطن و اموال و بستگان خود دور شده بودند و

عقد اخوت، این موارد را جبران می کرد تا آنکه آیه نازل شد و چنین ارثی را لغو کرد و فرمود: ملاک ارث بردن، خویشاوندی است.

هنگامی که فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حرکت برای جنگ تبوک صادر شد، بعضی گفتند: ما باید از والدین خود اجازه بگیریم. این جمله نازل شد که «النَّبِيُّ اَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ» *تفسیر مجمع البیان***. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم که به فرمان خداوند، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب فرمود، قبل از معرفی و نصب آن حضرت، جمله ی «أَلَسْتُ اَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ» را بیان فرمودند و از آنان اقرار گرفتند که آیا طبق آیه قرآن، من از شما حتی نسبت به خودتان اولویت ندارم؟! همه گفتند: بله.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» *بحار، ج ۲۱، ص ۳۸۷***. اولویت پیامبر بر مؤمنان، در مسایل حکومتی و فردی و تمام امور است. «النَّبِيُّ اَوْلَىٰ» چنانکه در آیه ی ۳۶ همین سوره می خوانیم: برای هیچ زن و مرد با ایمانی در برابر قضاوت پیامبر حق انتخاب و اختیاری نیست. «ما كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّلا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَىٰ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَمْرًا اَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» در روایات بسیاری آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این اولویت را برای امامان معصوم علیهم السلام نیز قائل بودند. *تفسیر نورالثقلین***.

در حدیث می خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ اِحْدَكُمْ حَتَّىٰ اَكُونَ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ وِلْدِهِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ» سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، ایمان هیچ یک از شما کامل نیست، مگر این که مرا از جان و مال و فرزند و از همه ی مردم بیشتر دوست داشته باشد. *تفسیر نمونه به نقل از فی ظلال***.

پیام ها

۱- پیامبر، بر تمام مؤمنان ولایت کامل دارد و ولایت آن حضرت بر مردم، از ولایت خودشان بر امورشان برتر است. «النَّبِيُّ اَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ» (در جامعه اسلامی، باید دین سالاری باشد).

۲- لازمه ی ایمان به خداوند، پذیرش ولایت رسول خداست. «النَّبِيُّ اَوْلَىٰ»

۳- احترام همسران پیامبر لازم است. «ازواجه امهاتهم» (حتی پس از رحلت پیامبر، کسی حق ندارد با همسران پیامبر ازدواج کند).

۴- قرار گرفتن همسران پیامبر به منزله ی مادر، سبب ارث بردن آنان از مردم نمی شود. «و ازواجه امهاتهم و اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض»

۵- خویشاوندی و پیوندهای خانوادگی، اولویت آور است. «اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض»

۶- قوانین ثابت ارث، مانع رسیدگی به وضعیت دوستان محروم نشود. «الْاَنْ تَفْعَلُوا اِلَىٰ اَوْلِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا»

۷- اولویت خویشاوندان در ارث، بعد از عمل به وصیت است. «و اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض... الا تفعّلوا...» (آری، اگر فردی وصیت کرد که بخشی از مال او صرف دوستانش شود، اول باید به وصیت عمل شود و سپس تقسیم شود).

۸- احکام و مسایل حقوقی را در امور خانوادگی جدی بگیریم. «فی الکتاب مسطورا»

۹- ثبت و ضبط امور، کاری الهی است. «فی الکتاب مسطورا»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۷

آیه

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا

ترجمه

(و به یاد آور) هنگامی که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی فرزند مریم، و از همه ی آنان پیمانی استوار گرفتیم (که در ادای مسئولیت و دعوت کوتاهی نکنند).

نکته ها

از میان پیامبران، پنج نفر اولوا العزم یعنی دارای کتاب و شریعت بوده و از جایگاه خاصی نزد خداوند برخوردار بوده اند، این آیه آنان را به خصوص نام برده است.

البته پیامبر اسلام قبل از بقیه بیان شده، که دال بر عظمتی دیگر است،**بحار، ج 5، ص 236*** چنانکه از مادر حضرت عیسی نام برده شده که بیانگر موقعیت ویژه حضرت مریم و تولد معجزه آسای آن حضرت است .

پیام ها

۱- برای آماده سازی روحی و تربیتی، آشنایی با تاریخ و سنت های الهی لازم است. (اگر ما از تو میثاق می گیریم، سنت و برنامه ی ما این است که از همه ی انبیا پیمان گرفته ایم.) «اخذنا من النبیین»

۲- اگر پیامبر اولی بر مردم است، مسئولیت و پیمان سختی نیز بر عهده ی اوست. «اخذنا - میثاقهم و منک» هر کس مقام برتری دارد، وظیفه اش سخت تر است. (خداوند از همه ی انبیا میثاق گرفت ولی از پیامبران اولوا العزم، میثاق غلیظ گرفت.) «میثاقاً غلیظاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۸

آیه

لَيْسَتِ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

ترجمه

(خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت) تا راستگویان را از صداقتشان (در ایمان و عمل صالح)، بازخواست کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته ها

شاید مراد از صادقین، انبیا باشند، یعنی خداوند از آنان پیمان گرفت تا در قیامت طبق همان پیمان و اقرار بازخواست کند و شاید مراد این باشد که خداوند از انبیا در ابلاغ وحی الهی به مردم پیمان سخت گرفت تا بشود از صداقت یا کفر مردم بازخواست کرد.

در قرآن، صادقان جایگاه خاصی دارند که با تعبیر «صدقوا ما عاهدوا الله عليه»،**احزاب، ۲۳*** «اولئك هم

الصّادقون»**حجرات، ۱۵*** و «كونوا مع الصّادقین»**توبه، ۱۱۹*** از آنان یاد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «در صورتی که راستگو از راستی اش سؤال می شود که به چه انگیزه ای بوده و بر طبق آن جزا داده می شود، پس حال دروغگو چگونه خواهد بود؟!»**تفاسیر مجمع البیان و برهان***.

در این آیه به جای آنکه در مقابل کافرین، مؤمنان قرار گیرد، صادقین آمده است. یعنی لازمه ی تفکیک ناپذیر ایمان، صداقت است.

پیام ها

۱- پیمان گرفتن های الهی، هدفدار است و هدف، تفکیک صادقان از کافران است. «لایستل الصادقین - اعدا للکافرین»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۹

آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

نکته ها

این آیه و شانزده آیه پس از آن، به جنگ احزاب مربوط است که در سال پنجم هجری واقع شد. در این جنگ که یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرف مدینه را داشتند، مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطراف مدینه را خندق کردند و در برابر دشمن استقامت کردند. در حفر خندق نیز، اولین کلنگ را خود رسول الله به زمین زد و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می جهید، پیامبر پیروزی اسلام بر منطقه ای از جهان را بشارت می داد. خداوند در این نبرد به وسیله ی وزش باد و نزول فرشتگان مسلمانان را یاری کرد.

پیام ها

- ۱- شرط دریافت امدادهای الهی، ایمان و تلاش است. «یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمه الله» (مسلمانان آماده ی دفاع شدند، خندق کردند و سپس یاری شدند).
- ۲- یاد نعمت ها، مورد سفارش خداوند است. «اذکروا نعمه الله» یاد امدادهای الهی، روحیه ی رزمندگان را بالا می برد.
- ۳- انسان در معرض فراموشی نعمت است و به تذکر نیاز دارد. «اذکروا نعمه الله»
- ۴- پاسخ جنود را باید با جنود داد. «جاءتکم جنودٌ - فارسلنا ... جنوداً»
- ۵- پیروزی ها را از خدا بدانیم. «*امام خمینی قدس سره در فتح خرمشهر فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» * * * «فارسلنا علیهم»
- ۶- با اراده خداوند باها هم سرباز می شوند. «فارسلنا علیهم ریحاً»
- ۷- فرشتگان، هم به مؤمنان دعا می کنند و هم آنان را بشارت و امداد می دهند. «فارسلنا - جنوداً»
- ۸- اگر خداوند ببیند که ما به وظیفه ی خود عمل می کنیم، امدادهای خود را بر ما نازل می کند. «کان الله بما تعملون بصیراً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۰، ۱۱

آیه

إِذْ جَاءَ أَوَّكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

ترجمه

آن گاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و آن گاه که چشم ها (از ترس) خیره شده بود و جان ها به حنجره ها رسیده بود، و به خداوند گمان های (بدی) می بردید. آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به لرزه ی سختی دچار شدند.

پیام ها

- ۱- زمانی مزه ی الطاف الهی را می چشید که صحنه های تلخ را نزد خود مجسم کنید. «اذ جاؤکم - اذ زاغت»
- ۲- مسلمانان باید مراقب تمام مرزهای کشور خود باشند. «فوقکم - اسفل منکم»
- ۳- حالت های روحی در جسم اثر می گذارد. (ترسیدن سبب می شود که چشم و دل کار عادی خود را از دست بدهند، خیره شدن چشم و تند شدن ضربان قلب نمونه آن است.) «زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر»
- ۴- بعضی مؤمنان، به هنگام بروز پیش آمدهای سخت به قدرت خداوند سوءظن می برند. «تظنون بالله»
- ۵- مؤمن در معرض ابتلا و آزمایش است. «ابتلی المؤمنون»
- ۶- جنگ، ترس، وحشت و شرایط سخت، وسیله آزمایش اند. «هنالك ابتلی»
- ۷- در سختی ها، انسان ها شناخته و صف ها جدا می شوند. «هنالك ابتلی» (در میدان های جنگ، از حضور روشنفکرانها و منافقان خبری نبود).

۸- استواری انسان، در گرو استواری روحیه ی اوست. (اگر روح ضربه دید انسان متزلزل می شود.) «زلزلوا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۲

آیه

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

ترجمه

و آن گاه که منافقان و کسانی که در روحشان بیماری (شک و تردید) بود، گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های فریبنده به ما ندادند.

پیام ها

۱ - تلاش های تبلیغاتی منافقان دائمی است. «يقول المنافقون»

۲ - مایوس کردن رزمندگان و تضعیف روحیه ی آنان، نشانه ی انحراف و نفاق است. «ما وعدنا الله...»

۳ - در میان یاران پیامبر، برخی دچار شک و تردید و برخی دچار نفاق و دورویی بودند. «ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۳

آیه

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

ترجمه

و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! در صحنه جنگ! برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می خواستند (و) می گفتند: همانا خانه های ما بی حفاظ است. در حالی که بی حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند.

پیام ها

۱ - گروهی از منافقان با شایعه پراکنی، «قالت طائفة... لا مقام لكم» و گروهی با فرار از جبهه، «يستأذن فريق منهم» در صدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند.

۲ - از تبلیغات منافقان برای دلسرد کردن رزمندگان، غافل نباشیم. «لا مقام لكم»

۳ - فرمانده جنگ، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. «يستأذن فريق منهم النبي»

۴ - قوای مسلح باید به قدری منظم باشد که هیچ کس حق خروج از لشکر را بدون مرخصی نداشته باشد. «يستأذن فريق منهم النبي»

۵ - آرامش و امنیت فکری و خانوادگی برای رزمنده به قدری ضروری است که منافقان، دغدغه آن را بهانه ترک جبهه خود قرار دادند. «ان بيوتنا عورة»

۶ - کسی که از خانه و زندگی دل نکند، نمی تواند موفق باشد. «ان بيوتنا عورة»

۷ - منافق، ترسو و بهانه گیر است. (به خاطر نداشتن شهامت، به جای موضع گیری صریح، بهانه گیری می کند.) «بيوتنا عورة»

۸ - دشمن از مذهب، علیه مذهب استفاده می کند. (بهانه ی منافقان «حفظ ناموس» بود که یک دستور مذهبی است.) «بيوتنا عورة»

۹ - وحی، افکار پلید منافقان را آشکار و آنان را رسوا می کند. «و ما هي بعورة ان يريدون الا فرارا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۴، ۱۵

آیه

وَكُلُّ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلْبَثُوا بِهَا إِلَّا بَسِيرًا
وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

ترجمه

(و) آن منافقان و بیمار دلان چنان بودند که اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و از آنان تقاضای فتنه گری می

کردند، به سرعت می پذیرفتند، و جز مدت کمی درنگ نمی کردند.

در حالی که آنان پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند؛ و پیمان الهی بازخواست شدنی است.

نکته ها

فرار نکردن از جبهه و جنگ، «لا یولون الادبار» از شروط ایمان به خدا و پیامبر است؛ خداوند می فرماید: این عهد مورد بازخواست

و سؤال واقع خواهد شد. «کان عهد الله مسئولا»

پیام ها

۱ - دشمن برای ایجاد فتنه از منافقان داخلی کمک می گیرد. «سئلوا الفتنه»

۲ - منافقان به راحتی از حق برگشته، به دشمن رو می کنند و فتنه به پا می نمایند. «لاتوها»

۳ - پذیرش درخواست کافران به صورت عجولانه و بی تفکر، نشانه ی بی هویتی است. «سئلوا... ما تلبثوا بها الا یسیرا»

۴ - پیمان بستن مهم نیست، وفاداری مهم است. «عاهدوا الله... لا یولون الادبار»

۵ - پیمان خداوند را سرسری نگیریم که قطعاً مورد سؤال و توبیخ قرار می گیریم. «کان عهد الله مسئولا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۶

آیه

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ اِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ اَوْ الْقَتْلِ وَاِذَا لَمْ تُمْتَعْنَ اِلَّا قَلِيْلًا

ترجمه

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار هرگز برای شما سودی ندارد و (بر فرض که سودتان دهد) در آن صورت جز

بهره اندکی نخواهید برد.

پیام ها

۱ - از مقدرات حتمی خداوند، نظیر مرگ نمی توان فرار کرد. «لن ينفعكم الفرار... من الموت او القتل»

۲ - به خاطر کامیابی زودگذر، سعادت ابدی را از دست ندهید. «لا تمتعون الا قليلا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۷

آیه

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ اِنْ اَرَادَ بِكُمْ سَوْءًا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَاَلَا يَعِدُوْنَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللَّهِ وَاِيًّا وَاَلَا نَصِيْرًا

ترجمه

بگو: اگر خداوند برای شما رنجی یا رحمتی اراده کند، کیست که شما را در برابر (اراده) خداوند مصون بدارد؟ در حالی که آنان

غیر از خداوند برای خود نه کارسازی می یابند و نه یاری دهنده ای.

نکته ها

اراده خداوند در مورد بروز گرفتاری و سختی برای انسان بدین معناست که انسان با اختیار خود و انجام اعمال ناشایست (مانند فرار

از جنگ)، خود را به سمت آتش قهر الهی می کشاند و چون تمام کارها به اراده ی الهی صورت می گیرد، این گرفتاری ها به

خداوند نسبت داده می شود.

پیام ها

۱ - وجدان ها را با طرح سؤال بیدار کنید. «قل من ... يعصمكم من الله»

۲ - رحمت و عذاب، تلخی و شیرینی، در مدار اراده ی خداوند به انسان می رسد. «اراد بكم سوءاً - اراد بكم رحمة» (البته اراده

ی سوء یا رحمت خداوند، با توجه به حکمت است.)

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۸

آیه

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا

ترجمه

بدون شک خداوند کسانی از شما که مردم را (از جبهه و جهاد) باز می داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند: به سوی ما بیایید (و خود را به کشتن ندهید) به خوبی می شناسد؛ (آنان ضعیف و ترسو هستند) و جز اندکی به جبهه نمی روند.

نکته ها

«مُعَوِّقٌ» به معنای باز دارنده و «بأس» به معنای سختی و میدان کارزار و جهاد است.

در قرآن به انواع برادری اشاره شده است:

الف: برادری طبیعی که از طریق والدین می باشد.

ب: برادری دینی که به واسطه ی هم کیشی حاصل می شود «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ» *حجرات، ۱۰*.

ج: برادری سیاسی و حزبی که در این آیه به آن اشاره شده است.

د: برادری رفتاری که به واسطه ی پیروی حاصل می شود. چنانکه مبذّرین، برادران شیطان معرفی شده اند. «إِنَّ الْمُبذِّرِينَ كَانُوا

إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» *اسراء، ۲۷*.

مراد از جمله «القائلین لاخوانهم»، دعوت منافقان از مسلمانان ضعیف الایمان برای ترک جبهه است

پیام ها

۱ - خداوند به تمام حرکات و تبلیغات سوء دشمنان، آگاه است. «يعلم الله»

۲ - منافقان بزدل که خود از جبهه فرار می کنند، مانع حضور دیگران در جبهه می شوند. «المعوقین... القائلین»

۳ - هر گونه دلسرد کردن رزمندگان، نزد خداوند گناه است. «يعلم الله... القائلین... هلمّ الینا»

۴ - جبهه رفتن مهم نیست، جبهه ماندن مهم است. «لا یأتون البأس الا قلیلا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۱۹

آیه

أَشْحَهُ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشْحَهُ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْتُكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ترجمه

در حالی آنان بر یاری شما بخیل هستند، که هرگاه (لحظات) بیم (و جنگ) پیش آید، آنان را می بینی چنان به تو می نگرند که چشمانشان (در حدقه) می چرخد، همچون کسی که مرگ او را فرا گرفته، پس همین که ترس از میان رفت، زبان های تند و خشن (خود را) بر شما می گشایند، در حالی که نسبت به خیر (مال و غنیمت) بخیل هستند، آنان ایمان (واقعی) ندارند و خداوند اعمالشان را محو نموده؛ و این کار بر خداوند آسان است.

نکته ها

کلمه ی «أَشْحَهُ» جمع «شحیح» از «شَحَّ» به معنای بخلی است که همراه با حرص باشد. «سَلَقُوكُمْ» از «سَلَقَ»، به معنای مغلوب کردن و شکست دادن است، یعنی می خواهند با تبلیغات و زخم زبان خود مسلمانان را مغلوب کنند و شکست دهند. «حِدَادٍ» جمع «حَدید» به معنای تیز و خشن است.

پیام ها

۱ - منافقان، هرگز خیر خواه شما نیستند؛ به هنگام خطر از کمک و حضور در جبهه بخل می ورزند، «أَشْحَهُ عَلَيْكُمْ» و پس از

برطرف شدن خطر، به جمع غنائم حریص هستند. «اشحّه علی الخیر»

۲- منافقان، تلخی ها را از جانب پیامبر و مسلمانان می بینند. «فاذا جاء الخوف... ينظرون اليك»

۳- منافقان در شرایط بحرانی تعادل خود را از دست می دهند. «فاذا جاء الخوف... تدور اعينهم»

۴- حالات روحی، در چهره ی انسان اثر می گذارد. «تدور اعينهم»

۵- منافقان، کم کار و پرگو هستند. هنگام جنگ و سختی ترسوترین مردم و هنگام آرامش طلبکارترین مردم هستند. «اشحّه عليكم

- اشحّه علی الخیر»

۶- ترس، بخل، زخم زبان و توقع نابجا از نشانه های بارز منافقان است. «اشحّه - تدور اعينهم - السنه حداد»

۷- حبط اعمال گناهکاران، حکیمانه و بر اساس عملکرد خود انسان است. «لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم»

۸- نفاق، عامل حبط و تباه شدن اعمال است. «احبط الله اعمالهم»

۹- رفتار منافقان، (بخل، زخم زبان و دلسرد کردن مردم از حضور در جبهه و...) نمی تواند مشکلی برای اراده خداوند به وجود

آورد. «كان ذلك علی الله يسيرا»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۲۰

آیه

يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

ترجمه

(آنها به قدری وحشت زده شده اند که) می پندارند احزاب (مشرک و یهود مهاجم) هنوز پراکنده نشده اند و اگر (بار دیگر) دسته های دشمن (به سراغ مسلمانان) آید، دوست دارند کاش میان اعراب بادیه نشین بودند (و درگیر جنگ نمی شدند) و تنها از اخبار (مربوط به) شما جويا می شدند و این افراد اگر در میان شما بودند جز اندکی نمی جنگیدند.

نکته ها

به عرب شهرنشین «عربی» و به عرب بادیه نشین «اعرابی» گویند. کلمه ی «بادون» جمع «بادی» است و به کسی گفته می شود که در بادیه و بیابان ساکن باشد.

پیام ها

۱- افراد ترسو و سست ایمان، همواره دشمن را قوی تر از مسلمانان تصور می کنند. (منافقان گمان می کردند تا احزاب یهود و

مشرک مدینه را فتح نکنند پراکنده نخواهند شد). «يحبسون الاحزاب لم يذهبوا»

۲- خود باختگی، قدرت فهم واقعیات را از انسان می گیرد. «يحبسون... لم يذهبوا»

۳- افراد سست ایمان، زندگی در جوامع دور از فرهنگ را بر زندگی در جامعه ی دینی، ترجیح می دهند. «يودوا لو أنهم بادون»

۴- افراد سست ایمان به جای حضور در صحنه جامعه، به خواندن روزنامه ها و شنیدن اخبار رادیوها سرگرمند. «يستلون عن انباءكم»

۵- افراد سست ایمان، اهل نبرد و استقامت نیستند. «ما قاتلوا الا قليلا»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۲۱

آیه

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

ترجمه

همانا برای شما در (سیره ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.

نکته ها

«أسوة» در مورد تأسی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار می رود. در قرآن دوبار این کلمه درباره ی دو پیامبر عظیم الشان آمده است: یکی درباره حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگری درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله. جالب آن که أسوه بودن حضرت ابراهیم در براءت از شرک و مشرکان است و اسوه بودن پیامبر اسلام در آیات مربوط به ایستادگی در برابر دشمن مطرح شده است.

نقش پیامبر در جنگ احزاب، الگوی فرماندهان است: هدایت لشکر، امید دادن، خندق کردن، شعار حماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت نمودن. حضرت علی علیه السلام فرمود: در هنگامه ی نبرد، خود را در پناه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قرار می دادیم و آن حضرت از همه ی ما به دشمن نزدیک تر بود». اتقینا برسول الله صلی الله علیه وآله فلم یکن منا اقرب الی العدو منه*** نهج البلاغه، حکمت ۲۶۰***.

این آیه در میان آیات جنگ احزاب است؛ اما الگو بودن پیامبر، اختصاص به مورد جنگ ندارد و پیامبر در همه ی زمینه ها، بهترین الگو برای مؤمنان است.

پیام ها

۱- در الگو بودن پیامبر شک نکنید. «لقد»

۲- الگو بودن پیامبر، دائمی است. «کان»

۳- گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر حجّت است. «لکم فی رسول الله اسوة حسنة»

۴- معرفی الگو، یکی از شیوه های تربیت است. «لکم - اسوة»

۵- باید الگوی خوب معرفی کنیم، تا مردم به سراغ الگوهای بدلی نروند. «رسول الله اسوة»

۶- بهترین شیوه ی تبلیغ، دعوت عملی است. «أسوة»

۷- کسانی می توانند پیامبر اکرم را الگو قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و یاد خدا باشد. «لمن کان یرجوا الله...»

۸- الگوها هر چه عزیز باشند؛ اما نباید انسان خدا را فراموش کند. «رسول الله أسوة - ذکر الله کثیرا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۲

آیه

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

ترجمه

و همین که مؤمنان دسته های لشکر دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند. و (دیدن لشکر مهاجم) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

نکته ها

در آیه ی ۱۲ خواندیم که منافقان و بیمار دلان وعده های پیامبر را فریب نامیدند، ولی در این آیه مؤمنان، این وعده ها را واقعی و صادق می دانند.

در دو آیه قبل بیان شد که گروهی از افراد سست ایمان آرزو داشتند هنگام حمله ی دشمن، در مناطق دور از جبهه بودند، ولی در این آیه می فرماید: مؤمنان با دیدن دشمن، به ایمان و تسلیمشان در برابر خدا افزوده می شود.

پیام ها

۱- ایمان عامل قدرت است. «رأى المؤمنون الاحزاب قالوا...»

۲- منافقان، دشمنی را که حضور ندارد، حاضر می پندارند؛ «یحسبون الاحزاب لم یذهبوا» ولی مؤمنان، دشمنان موجود و مهاجم را ناچیز می شمرند. «ولمّا رأى المؤمنون... - هذا ما وعدنا الله»

- ۳- هجوم دشمنان متحد، برای مؤمن غیر منتظره نیست. «هذا ما وعدنا الله»
- ۴- سخن رسول خدا، همان سخن خداست. «وعدنا الله ورسوله»
- ۵- پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله مسلمانان را از وقوع جنگ احزاب باخبر نموده بود. «هذا ما وعدنا الله ورسوله»
- ۶- مؤمنان، تحقق وعده های خدا و رسولش را حتمی می دانند. «وعدنا الله ورسوله - صدق الله ورسوله»
- ۷- جبهه و جنگ برای مؤمن، بستر رشد و ترقی است. «ما زادهم الا ايماناً و تسليماً»
- ۸- مؤمنان، از تعداد و تشکل دشمنان نمی ترسند. «ما زادهم الا ايماناً»
- ۹- ایمان و تسلیم دارای درجات و مراتبی است. «ما زادهم الا ايماناً و تسليماً»
- ۱۰- تحقق یافتن وعده های خدا و رسول، بر ایمان مؤمنان می افزاید. «و لما رء المؤمنون... ما زادهم الا ايماناً و تسليماً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۲۳

آیه

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

ترجمه

از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده ی جهاد نمودند)، برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند.

نکته ها

کلمه ی «نحب» دارای معانی زیادی است ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود.

در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، «یودّوا لو أنّهم بآدون فی الاعراب» احزاب، ۲۰*** گروهی در انتظار شهادتند. «و منهم من ينتظر»

امام حسین علیه السلام در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می فرمود.*** تفسیر کنزالدقائق***.

پیام ها

- ۱- همه ی اصحاب پیامبر و مؤمنان در یک درجه نیستند. «من المؤمنین»
- ۲- نقل کمالات دیگران یکی از راه های تربیت است. «من المؤمنین رجال...»
- ۳- دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه ی صداقت در ایمان است. «صدقوا ما عاهدوا الله»
- ۴- تعهد، لازم الاجرا و عمل به آن نشانه صداقت است. «صدقوا ما عاهدوا»
- ۵- بزرگداشت شهدا، پیام و درسی قرآنی است. «فمنهم من قضی نحبه»
- ۶- انتظار شهادت نیز یک ارزش است. «و منهم من ينتظر» آمادگی برای لقای خداوند، از صفات مؤمنان است.
- ۷- باب شهادت باز است. «و منهم من ينتظر»
- ۸- شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی شود. مؤمن با این که شهادت دوستان و عزیزان خود را می بیند، باز خود در انتظار شهادت است) «و منهم من ينتظر»
- ۹- مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی دهد. «و ما بدلوا تبدیلاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۴

آیه

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

ترجمه

تا خداوند صادقان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (اگر توبه کنند) لطف خود را بر آنان باز گرداند زیرا که خداوند آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها

کلمه توبه اگر با حرف «الی» بیاید، منظور توبه بندگان به درگاه خداوند است و اگر با «علی» بیاید، منظور توجه و لطف خداوند به بندگان است. «یتوب علیهم»

پیام ها

- ۱ - حوادث تلخ و سخت هدفدار است، تا استعدادها شکوفا شود و انسان با کوشش و تلاش به پاداش برسد. «لیجزی»
- ۲ - با پاداش دادن به راستگویان، دیگران را به صداقت تشویق کنیم. «لیجزی الله الصادقین بصدقهم»
- ۳ - نجات در راستگویی است. «لیجزی ... بصدقهم»
- ۴ - دریافت پاداش بر اساس صداقت در عمل است. «بصدقهم»
- ۵ - بشارت، قبل از انذار است. «لیجزی - یعذب»
- ۶ - هیچ عملی بدون پاداش نیست. (نه صدق صادقین و نه نفاق منافقین) «لیجزی - یعذب»
- ۷ - لطف خداوند، از منافقان نیز دور نیست، به شرط آنکه خود بخواهد. «او یتوب علیهم»
- ۸ - توبه پذیری خداوند، با لطف او همراه است. «غفوراً رحیماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۵

آیه

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْراً وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيماً عَزِيزاً

ترجمه

و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پر از خشم برگرداند، بدون آن که هیچ خیری (پیروزی و غنیمتی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست ناپذیر است.

نکته ها

در جنگ احزاب، همین که حضرت علی علیه السلام «عمر بن عبدود»، پهلوان نامی عرب را که از خندق گذشت به قتل رساند، آنها حساب کار خود را کرده، باز گشتند.

پیام ها

- ۱ - از همبستگی دشمنان نهراسیم. «رد الله الذین کفروا» با این که در جنگ احزاب، سه گروه مشرکان، یهودیان و منافقان علیه مسلمانان متحد شدند، ولی بدون دست یابی به پیروزی و غنائم سرگشته برگشتند.
- ۲ - فراز و نشیب جنگ ها از تحت اراده الهی خارج نیست. «رد الله - کفی الله»
- ۳ - در جنگ احزاب (خندق)، امدادهای غیبی در کار بود. «رد الله - کفی الله»
- ۴ - گاهی باید از نگاه مخالف سخن گفت. «لم ینالوا خیراً» پیروزی بر اسلام و گرفتن غنائم، از دیدگاه کفار خیر بود.
- ۵ - هدف جنگ های دشمن، رسیدن به پیروزی یا کسب غنائم، کشور گشایی و یا حفظ منافع خود است. «لم ینالوا خیراً» ولی هدف جنگ های اسلامی، «احدی الحسینین»** توبه، ۵۲*** است یعنی: یا انجام وظیفه ی دینی و دعوت و ارشاد ناآگاهان و

رفع موانع گسترش حقّ و یا رسیدن به شهادت و لقای حقّ .

۶- سرچشمه ی عزّت و قدرت مسلمانان، خداست. «کفی الله - كان الله قویاً عزیزاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۶، ۲۷

آیه

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا
وَأَوْزَنْتُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

ترجمه

و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می کردند، از برج و قلعه های مرتفعشان پایین کشید و در دل های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید. و سرزمین آنان و خانه ها و اموالشان و (نیز) زمینی را که در آن گام نهاده بودید در اختیار شما گذاشت، و خداوند بر هر کاری تواناست.

نکته ها

«صیاصی» جمع «صیصه» به معنای قلعه های محکم است و به هر وسیله ی دفاعی مثل شاخ گاو و شاخک های پای خروس نیز گفته می شود.

این آیه اشاره به غزوه ی بنی قریظه دارد یهود بنی قریظه در جنگ احزاب به خیال پیروزی، پیمان خود را با مسلمانان شکستند و در قالب ستون پنجم دشمن به مشرکان مکه در جنگ احزاب کمک کردند ولی با رسوایی، شکست خوردند و تسلیم شدند. در مدینه سه طایفه ی یهودی بودند به نام های: «بنی قینقاع» «بنی نضیر» و «بنی قریظه» که هر سه با مسلمانان پیمان داشتند. در سال دوم بنی قینقاع پیمان شکنی کرده، با مسلمانان جنگ نمودند و شکست خوردند و از مدینه خارج شده، به سوی شام رفتند. در سال چهارم، بنی نضیر جنگیدند و شکست خوردند و به سوی شام رفتند و خیبر و مدینه را خالی کردند. در سال پنجم بنی قریظه پیمان خود را شکستند و با مشرکان همکاری نمودند که با شکست احزاب دلهره ای بر آنان حاکم شد. مسلمانان بعد از پیروزی بر احزاب، قلعه های آنان را محاصره کردند و پس از ۲۵ روز آنها را از مدینه بیرون راندند و برای همیشه مدینه از پلید طوایف یهود پیمان شکن پاک شد.***تفسیر نمونه***

جنگ با بنی قریظه برکاتی داشت از جمله:

الف: آخرین گروه یهود برای همیشه از مدینه خارج شدند.

ب: اموال فراوانی از دشمن نصیب مسلمانان شد.

ج: جایگاه مسلمانان تثبیت و روشن شد که هر کس با آنان پیمان شکنی کند بدبخت می شود .

پیام ها

۱- از نیروهای نفوذی و ستون پنجم دشمن نباید غافل شد. «و انزل الّذین ظاهروهم»

۲- همزیستی مسالمت آمیز با اهل کتاب، تا زمانی است که آنان یاور مخالفان نباشند. «و انزل الّذین ظاهروهم من اهل الکتاب»

۳- پیروزی از جانب خداوند است. «و انزل»

۴- قلعه های محکم و بلند دشمن، فتح شدنی است. «و انزل ... من صیاصیههم»

۵- اهل کتاب یهود با آن که با مسلمانان مرز مشترک خداپرستی و ایمان به معاد داشتند ولی به حمایت مشرکان برخاستند.

«ظاهروهم من اهل الکتاب»

۶- تنها به دشمن رو در رو فکر نکنید، بلکه متوجّه حامیان آنان نیز باشید. «ظاهروهم»

۷- یکی از امدادهای غیبی خداوند در جنگ ها، ایجاد رعب در دل دشمنان است. «قذف فی قلوبهم الرعب»

۸- روحیه رزمنده در شکست یا پیروزی جبهه نقش اصلی را دارد. «فی قلوبهم الرعب... تقتلون و تأسرون»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۸

آیه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَمَتَّعَيْنَّ أَمْتَعْنَّ وَأَسْرَحْنَ سَرَّاحًا جَمِيلًا

ترجمه

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و برق) آن را می خواهید، بیاید تا شما را (با پرداخت مهرتان) بهره مند سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم.

نکته ها

به دنبال کسب غنایم جنگی به وسیله ی مسلمانان، همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به توسعه ی زندگی رو آوردند و از آن حضرت وسایل و امکانات رفاهی طلب کردند. رسول خدا با خواسته آنان مخالفت کرد و به مدت یک ماه از آنان فاصله گرفت تا آیات مورد بحث نازل شد.

پیام ها

۱- زندگی رهبر مسلمانان باید ساده باشد. (موقعیت دینی و اجتماعی، برای انسان وظیفه ی خاصی به وجود می آورد.) «ان کنتن تردن الحیاة الدنيا... أسرحکن»

۲- رهبر مسلمانان نباید تحت تأثیر تقاضاهای نابجای همسرش قرار گیرد. «قل لازواجک»

۳- رشد در آمد بیت المال، نباید توقع بستگان رهبر را بالا ببرد. «قل لازواجک»

۴- نه تنها رهبر جامعه اسلامی، بلکه وابستگان او نیز تحت نظر و توجه مردم قرار دارند. «قل لازواجک»

۵- مسئولیت های الهی، فوق مسئولیت های خانوادگی است. (گاهی به خاطر قداست رهبری، باید از مسایل عاطفی و خانوادگی گذشت.) «قل لازواجک»

۶- زن آزاد است؛ می تواند با زندگی ساده، ولی همراه با سعادت بماند و می تواند راه دیگری را انتخاب کند. «ان کنتن تردن... اسرحکن»

۷- در برابر تقاضای نابجای همسر، نظر قطعی خود را صریح و روشن اعلام کنید. «ان کنتن تردن» (با قاطعیت ولی همراه با مهربانی و عدالت، توقعات بی جا را از بین ببرید.)

۸- هنگام دسترسی به بیت المال و غنائم، با برخورد قاطع با خانواده و نزدیکان جلو توقع و انتظارات بی مورد دیگران را بگیریم. «ان کنتن... فتعالین امتعنن»

۹- اگر زنی زندگی ساده و سالم را تحمل نکرد، با رعایت عدالت و انصاف طلاقش دهید و به ادامه ی زندگی مجبورش نکنید. «ان کنتن... امتعنن و اسرحکن»

۱۰- خطر دنیاگرایی، حتی خاندان نبوت را تهدید می کند. «ان کنتن تردن...»

۱۱- کامیابی از زر و زیور دنیا حرام نیست، لیکن در شأن خاندان نبوت نیست. «فتعالین امتعنن»

۱۲- اگر مجبور به طلاق شدید، راه جدایی را با نیکویی و عدالت طی کنید. «اسرحکن سراحاً جمیلاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۲۹

آیه

وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

ترجمه

و اگر خدا و رسولش و سرای آخرت را می خواهید، پس (بدانید که) قطعاً خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی را آماده کرده است.

پیام ها

۱- دنیاطلبی و آخرت طلبی با هم جمع نمی شود. «تردن الحیاء الدنیا... تردن الله... البتة لذت بردن و استفاده حلال از نعمت ها، منافاتی با آخرت خواهی ندارد.

۲- انسان باید میان دلبستگی به دنیای فانی و آخرت باقی، باید یکی را انتخاب کند. «و ان کتنن...»

۳- قناعت و زهد و سادگی به تنهایی عامل نجات نیست، عمل نیک هم لازم است. «تردن الله و رسوله والدار الآخرة... للمحسنات منکن»

۴- وعده های الهی را قطعی بگیریم. «اعد»

۵- خداوند ساده زیستی را برای خانواده رهبران دینی، امری نیک و حسن می داند. «اعد للمحسنات منکن»

۶- همسر پیامبر بودن کمال نیست، نیکوکار بودن لازم است. «للمحسنات منکن»

۷- همه ی زنان پیامبر یکسان نبودند. «للمحسنات منکن»

۸- کسانی که از دنیای قلیل بگذرند، به اجر عظیم خواهند رسید. «اجراً عظیماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۰

آیه

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ترجمه

ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است.

نکته ها

آیاتی که با زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می گوید، از طریق مقام رسالت است نه آن که مستقیماً به خود آنان خطاب و وحی شود، بر خلاف حضرت مریم که به خودش خطاب می شد. «یا مریم... آل عمران، ۴۲ - ۴۳...»

گناهان دو دسته اند: کبیره و صغیره. سرچشمه ی این تقسیم آیه مبارکه ی «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم

سیناتکم... نساء، ۳۱...» است، یعنی اگر شما از گناهان بزرگ دوری کنید ما سینات و گناهان کوچک شما را می بخشیم. لیکن

در مواردی گناه صغیره حکم گناه کبیره پیدا می کند، نظیر گناه در زمان خاص مانند ماه رمضان که جرم و مجازات آن بیشتر

است. یا گناه در مکان خاص، تکرار گناه و اصرار بر آن، گناه همراه با شادی، گناه آشکارا و گناه افراد برجسته و الگو نظیر

همسران پیامبر. به هر حال مسایل جنبی می تواند در گناه و کیفر آن اثر بگذارد.

در روایات آمده است که گناه بزرگان، حساب دیگری دارد، حتی اگر از انبیا یک «ترک اولی» سرزند تنبیه می شوند؛ در حدیثی

معروف آمده است: «يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْباً قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ...» کافی، ج ۱، ص ۴۷... هفتاد گناه جاهل بخشیده

می شود، قبل از آن که یک گناه عالم بخشیده شود.

پیام ها

۱- در کیفر و پاداش، حسب و نسب اثری ندارد و هر متخلفی باید مجازات شود. «یا نساء النبی...»

۲- همسری پیامبر، مستلزم عصمت نیست. «من یأت منکن بفاحشه» (آری در خانه پیامبر بودن انسان را بیمه نمی کند، این مکتب

است که انسان را بیمه می کند.)

۳- حساب خلاف های علنی، از گناهان پنهان جداست. «میینه»

۴- عمل زشت به خودی خود، کیفر به دنبال دارد. «یضعاف» و نفرمود: «نضعاف»

۵- شدت و ضعف کیفر و پاداش بر اساس آثار فردی و اجتماعی عمل است. «نساء النبی...ضعفین»

۶- کسانی که چهره ی دینی و اجتماعی دارند و کارشان برای دیگران سرمشق است، اگر گناه کنند، کیفرشان بیش از دیگران است. «نساء النبی...ضعفین»

۷- خانواده و بستگان مسئولان نظام اسلامی باید بدانند که اگر مرتکب خلافی شدند، نه تنها آزاد نمی شوند، بلکه چند برابر دیگران مجازات می بینند. «یا نساء النبی...العذاب ضعفین»

۸- اگر کیفر بستگان متخلف یک مسئول چند برابر است، کیفر خود مسئول متخلف چه میزان است؟ «نساء النبی...العذاب ضعفین» (قرآن در مورد کیفر تخلف خود پیامبر می فرماید: «لو تقول بعض الاقاول... لقطعنا منه الوتين» **حاقه، ۴۴ - ۴۶.***
اگر سخن ناروایی را به ما نسبت دهد، رگ های گردن او را قطع می کنیم.

۹- کیفر متخلفان بر خداوند آسان است. «علی الله یسیر»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۳۱

آیه

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

ترجمه

و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پرارزشی فراهم کرده ایم.

نکته ها

«قنوت» به معنای اطاعت همراه با خضوع و ادب و کرنش است.

شخصی به امام سجّاد علیه السلام عرض کرد: «أنکم اهل بیت مغفور لکم» - شما اهل بیت پیامبر، بخشیده شده اید. امام علیه السلام خشمگین شد و فرمود: «در مورد ما همان آیاتی جریان دارد که درباره ی زنان پیامبر جاری است؛ اگر ما گناه کنیم، مجازاتمان دو برابر و اگر نیکوکار باشیم پاداشمان دو برابر است، آن گاه حضرت این آیه و آیه ی قبل را تلاوت فرمود.» **تفسیر کنزالدقائق***.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: ضربت علی علیه السلام (و از پای در آوردن عمروبن عبود) در روز نبرد خندق، از عبادت جنّ و انس برتر است. «ضربه علیّ یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» **الغدیر، ج ۷، ص ۲۰۶.***

پیام ها

۱- تشویق و تهدید در کنار هم مؤثر است. «من یأت منکن بفاحشه - و من یقنت»

۲- اطاعتی ارزش دارد که بر اساس معرفت و عشق، و همراه با فروتنی باشد. «یقنت... لله و رسوله»

۳- هم باید دستورهای خدا را اطاعت کنیم و هم دستورهای رسول خدا را. «یقنت... لله و رسوله»

۴- انجام یک عمل صالح کافی نیست، استمرار آن لازم است. «تعمل صالحاً»

۵- همسر پیامبر بودن کافی نیست، عمل لازم است. «تعمل صالحاً»

۶- کوچکی یا بزرگی عمل مهم نیست، صالح بودن آن شرط است. «صالحاً نکره آمده است.

۷- خداوند برای تشویق ما بندگان، پاداش را به خود نسبت می دهد. «نؤتها - اعتدنا»

۸- اجر و پاداش بر اساس موقعیت و آثار فردی و اجتماعی عمل، متفاوت می شود. «نؤتها اجرا مرتین»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۲

آیه

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

ترجمه

ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید. اگر تقوا پیشه اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگویید تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمع پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگویید.

پیام ها

- ۱ - حساب خانواده ی رهبران دینی از سایرین جداست و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشند. «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء» (موقعیت اجتماعی، محدودیت آور است).
- ۲ - وقتی به زنان پیامبر که بیشترشان پیر و سالخورده بوده و زندگی ساده ای داشتند هشدار داده می شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند. «یا نساء النبی ... فلا تخضعن ...»
- ۳ - با کرشمه سخن گفتن زن، بی تقوایی است. «إن اتقین فلا تخضعن بالقول»
- ۴ - قرآن برای سخن گفتن نیز آدابی بیان می کند. «فلا تخضعن بالقول»
- ۵ - تنها طمع بیمار دلان، برای آنکه زن خود را کنترل کند، گرچه تصمیم جدی نداشته باشند. «لاتخضعن ... فیطمع»
- ۶ - افراد آلوده، از مقدسات نیز دست طمع بر نمی دارند. «یا نساء النبی ... فیطمع الذی فی قلبه مرض»
- ۷ - نباید گفتار و رفتار زن تحریک کننده باشد. «فیطمع الذی فی قلبه مرض»
- ۸ - در جامعه ی نبوی نیز همه ی افراد سالم نیستند. «فیطمع الذی فی قلبه مرض»
- ۹ - نباید کاری کنیم که حتی یک نفر دچار گناه و فساد شود. «الذی فی قلبه مرض» و نفرمود «الذین فی قلوبهم»
- ۱۰ - چشم چرانی و هوسبازی یک بیماری روحی است. «فی قلبه مرض»
- ۱۱ - گرچه کسی که بیمار دل است مشکل دارد، «فی قلبه مرض» اما من نباید کاری کنم که او را تحریک کند. «فلا تخضعن ...»

فیطمع»

۱۲ - طوری سخن بگویید که هم محتوا خوب باشد «قولاً معروفاً» و هم شیوه، سالم باشد. «فلا تخضعن بالقول» چند اصل مهم در نهی از منکر (با توجه به آیه)

- ۱ - از موقعیت خانوادگی افراد کمک بگیریم. «یا نساء النبی»
- ۲ - از موقعیت اجتماعی افراد استفاده کنیم. «لستن کاحد من النساء»
- ۳ - القابی را به کار ببریم که محبوب همه است. «إن اتقین»
- ۴ - از ساده ترین کار شروع کنیم. «فلا تخضعن بالقول»
- ۵ - از بزرگان و خودی ها شروع کنیم. «یا نساء النبی»
- ۶ - از سرچشمه ی گناهان نهی کنیم. «فلا تخضعن بالقول فیطمع»
- ۷ - از رفتارها و انحرافات کوچک غافل نباشیم. «فلا تخضعن بالقول»
- ۸ - عوارض و پیامدهای فساد و انحراف را بیان کنیم. «فیطمع الذی فی قلبه مرض»
- ۹ - امر به معروف و نهی از منکر در کنار هم باشد. «فلا تخضعن - قلن»
- ۱۰ - حتی برای جلوگیری از یک منکر از یک فرد اقدام کنیم. «فیطمع الذی نفرمود: «فیطمع الذین»
- ۱۱ - با هوس و آرزوی گناه هم باید مبارزه کرد تا چه رسد به خود گناه. «فیطمع»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۳

آیه

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

ترجمه

و در خانه های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خود آرایی ظاهر نشوید (و زینت های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

نکته ها

«قَرْنَ» از «وقار» یا «قرار» است، و نتیجه ی هر دو معنا یکی است. یعنی برای خودنمایی از خانه های خود خارج نشوید.

«تَبَرَّج» از «بُرَج» به معنای خودنمایی است، همان گونه که برج در میان ساختمان های دیگر جلوه ی خاصی دارد.

جاهلیتِ اولی نشان دهنده ی ظهور جاهلیتِ آخری است که ما امروز شاهد آنیم. در حدیث نیز آمده است: «ستكون الجاهلیة الاخری»**تفسیر نورالثقلین**.* به زودی جاهلیت دیگری فرا می رسد.

اگر در جاهلیت آن روز دختر را زنده به گور می کردند، امروز با سقط جنین، هم دختر را نابود می کنند، هم پسر را.

اگر در جاهلیت آن روز قتل و آدم کشی وجود داشت، امروز در جنگ های بزرگ و جهانی کشتارهای میلیونی انجام می گیرد. جاهلیت آن روز مدرسه نبود و جنایت انجام می گرفت، امروز با وجود هزاران دانشگاه، مهم ترین حقوق انسان ها پایمال می شود.

در جاهلیت آن روز فساد و زنا جرم بود؛ اما امروز در مرفقی ترین کشورهای جهان همجنس بازی قانونی است.**درباره ی

جاهلیت معاصر، کتابی به نام «جاهلیت قرن بیستم» از سید قطب و کتاب دیگری به نام «سیمای تمدن غرب» از سید مجتبی موسوی لاری نوشته شده که تاکنون به چند زبان ترجمه شده است**.*

مطالبی درباره ی آیه ی تطهیر

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

*کلمه ی «إِنَّمَا» نشانه ی این است که آیه ی شریفه درباره ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل بیت علیهم السلام سخن می گوید.

*مراد از «یُرید» اراده ی تکوینی است، زیرا اراده ی تشریعی خداوند، پاکی همه ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام.

*مراد از «رِجْس» هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است.**تفسیر برهان**.*

*مراد از «اهل البیت» همه ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنی آمده است. این گروه عبارتند از: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

سؤال: دلیل این انحصار چیست؟ و چرا این بخش از آیه درباره ی زنان پیامبر یا تمام خاندان آن حضرت نیست؟

پاسخ ۱: روایاتی از خود همسران پیامبر حتی از عایشه و ام سلمه نقل شده که آنان از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدند: آیا ما هم جزء اهل بیت هستیم؟ پیامبر فرمود: خیر.

۲- در روایات متعددی می خوانیم: پیامبر عبایی بر سر این پنج نفر کشید (که یکی از آنان خود حضرت بود) و فرمود: این ها اهل بیت من هستند و اجازه ی ورود دیگران را نداد.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای این که اختصاص اهل بیت را به پنج نفر ثابت کند، مدت شش ماه (و به گفته ی بعضی

روایات هشت یا نه ماه) به هنگام نماز صبح از کنار خانه ی فاطمه علیها السلام می گذشت و می فرمود: «الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَمَّا

یرید الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

در کتاب احقاق الحق بیش از هفتاد حدیث از منابع معروف اهل سنت درباره اختصاص آیه شریفه به پنج نفر ذکر شده و در کتاب شواهد التنزیل که از کتب معروف اهل سنت است بیش از یکصد و سی روایت در همین زمینه آمده است. *تفاسیر نورالثقلین و نمونه***.

به هر حال این آیه شامل زنان پیامبر نمی شود زیرا:

آنها گاهی مرتکب گناه می شدند. در سوره ی تحریم می خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت داری نکرد و به دیگری گفت. قرآن این عمل را گناه نامیده، فرمود: «ان تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبکما» *تحریم، 4*. عایشه که همسر پیامبر بود، جنگ جمل را علیه حضرت علی علیه السلام به راه انداخت و سپس پشیمان شد، با آنکه در این جنگ عده بسیاری از مسلمانان کشته شدند؟

چند سؤال

۱- آیا «یطهرکم» به معنای آن نیست که اهل بیت علیهم السلام آلودگی داشته اند و خداوند آنان را تطهیر کرده است؟ پاسخ: شرط تطهیر آلودگی نیست، زیرا قرآن درباره ی حوریان بهشتی کلمه «مطهّره» را به کار برده در حالی که هیچ گونه آلودگی ندارند. به عبارت دیگر «یطهرکم» به معنای پاک نگه داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی.

۲- اگر اهل بیت تنها پنج نفرند، چرا این آیه در میان جملاتی قرار گرفته که مربوط به زنان پیامبر است؟ پاسخ: الف: جمله ی «انما یرید الله...» به صورت جداگانه نازل شده ولی هنگام جمع آوری قرآن در این جا قرار گرفته است. ب: به گفته ی تفسیر مجمع البیان، رسم فصیحان و شاعران و ادیبان عرب این بوده که در لابلای مطالب معمولی حرف جدید و مهمی مطرح می کنند تا تأثیرش بیشتر باشد. چنانکه در میان اخبار صدا و سیما، اگر گوینده یک مرتبه بگوید: به خبری که هم اکنون به دستم رسید توجه فرمایید، این گونه سخن گفتن یک شوک روانی و تبلیغاتی ایجاد می کند. نظیر این آیه را در آیه ی سوم سوره ی مائده خواندید که مطلب مربوط به ولایت و امامت و کمال دین و تمام نعمت و یأس کفار و رضای الهی، در کنار احکام مربوط به گوشت خوک و خون، نازل شده و این گونه جا سازی ها رمز حفظ قرآن از دستبرد ناهلان است. درست همان گونه که گاهی زنان هنگام خروج از خانه زیور آلات خود را در لابلای پنبه های متکا قرار می دهند. با این که طلا و پنبه رابطه ای ندارند ولی برای محفوظ ماندن از دستبرد ناهلان این کار انجام می گیرد.

ج: در میان سفارش هایی که به زنان پیامبر می کند، یک مرتبه می فرماید: خدا اراده ی مخصوص بر عصمت اهل بیت دارد، یعنی ای زنان پیامبر! شما در خانه ای هستید که معصومین علیهم السلام هستند و حتماً باید تقوا را بیشتر مراعات کنید.

د: در مورد اهل بیت ضمیر جمع مذکر به کار رفته که نشان غالب بودن مردان است، به خلاف جملات مربوط به زنان پیامبر که در آنها از ضمیر جمع مؤنث استفاده شده است. «بیوتکن، اقمن - عنکم، یطهرکم» گرچه این آیه خطاب به زنان پیامبر است ولی قطعاً مراد همه ی زنان مسلمان هستند که باید به این دستورها عمل کنند.

پیام ها

۱- جایگاه زن یا خانه است یا بیرون خانه بدون خود نمایی. «قرن - لا تبرّجن»

۲- ارتجاع و عقب گرد به دوران جاهلی ممنوع است. «لا تبرّجن تبرّج الجاهلیته الاولى»

۳- خودنمایی نشانه ی تمدن نیست، نشانه ی جاهلیت است. «تبرّج الجاهلیته الاولى»

۴- نماز و زکات دو عنصر ناگسستی و متلازم یکدیگرند. «الصلاة و... الزکوة»

۵- اطاعت از رسول در کنار اطاعت از خدا واجب است. «أطعن الله»

۶- گناه، پلیدی روح است و خاندان نبوت باید از این پلیدی دور باشند. «لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۴

آیه

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

ترجمه

و آنچه که از آیات خدا و حکمت در خانه هایتان تلاوت می شود یاد کنید؛ همانا خداوند (نسبت به شما) دارای لطف و (از کارهای شما) آگاه است.

نکته ها

برای کلمه ی «ذکر» دو معنا بیان کرده اند: یکی به خاطر سپردن و دیگری به زبان آوردن. بنابراین «واذکرن» یا به این معناست که ای زنان پیامبر! به خاطر داشته باشید و فراموش نکنید که وحی الهی در خانه شما نازل می شود و یا به این معناست که آنچه از کتاب خدا در خانه شما تلاوت می شود و شما فرا می گیرید، برای سایرین بیان کنید.

پیام ها

۱ - تلاوت قرآن در منزل و تکرار آن توسط اهل خانه، سفارش قرآن است. «واذکرن ما یتلی... من آیات الله»

۲ - به جای فرهنگ ابتدال فرهنگ الهی را دنبال کنید. «لا تبرجن... واذکرن»

۳ - قرار گرفتن زن در خانه و پرهیز از جلوه گری، به معنای عقب ماندن از علم و حکمت نیست. «قرن... لا تبرجن... واذکرن...»

آیات الله و الحکمة»

۴ - خانواده ی نبوت در انجام اعمال نیک سزاوارترند «فی بیوتکن» (زندگی در خانه ی وحی تکلیف آور است).

۵ - استقرار زن در خانه، نهی از خودنمایی، انجام نماز و زکات و ذکر آیات، ناشی از لطف خداوند بر زنان و آگاهی از مصالح و مفاسد است. «لطیفاً خبیراً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۵

آیه

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

ترجمه

همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکبیا و زنان شکبیا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان انفاق گر و زنان انفاق گر، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه ی) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر و بزرگ آماده کرده است.

نکته ها

به دنبال دستورهایی که برای همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد، این آیه ده کمال برای عموم زنان و مردان در مسایل اعتقادی، اخلاقی و عملی، بر شمرده است.

زمانی ارزش این آیه روشن می شود که به تبعیضاتی که عرب و عجم میان زن و مرد قائل بودند بنگریم و تاریخ دلخراش زن را مطالعه کنیم.

تفاوت میان زن و مرد در جسم است. روح، زن و مرد ندارد و همه ی کمالات بشری مربوط به روح اوست نه جسم او. لذا همه کمالاتی که در این آیه آمده، به صورت یکسان میان مرد و زن مطرح شده است.

پیام ها

۱- انسان زمانی کامل می شود که همه ی کمالات را در خود داشته باشد نه فقط بعضی را. «انّ المسلمین...»
۲- نشانه ی جامعیت اسلام آن است که کمال را در همه ی ابعاد اعتقادی، اخلاقی، عملی، فردی و اجتماعی انسان مطرح می کند.
«انّ المسلمین...»

۳- با تجلیل از خوبان، دیگران را به انجام خوبی ها تشویق کنیم. «انّ المسلمین...»

۴- رشد انسان، مرحله ای و گام به گام است. (ابتدا اسلام با زبان، سپس ایمان با دل، سپس اطاعت، صداقت، صبر و... «انّ المسلمین... المؤمنین... الصابرين...»

۵- انسان کامل، علاوه بر اقرار به زبان (اسلام) و باور قلبی (ایمان)، باید شکم و شهوت و زبان خود را کنترل کند.

*کنترل شکم با روزه. «الصائمين»

*کنترل زبان با صداقت. «الصادقين»

*کنترل شهوت با دوری از حرام. «والحافظين فروجهم»

*مبارزه با غرور، با داشتن تواضع. «القانتين»

*غفلت زدایی با ذکر و یاد خدا. «والذاکرين»

*مقاومت در برابر نیش ها و نوش ها با نیروی صبر. «والصابرين»

*غافل نماندن از محرومان با انفاق. «والمصدقين»

۶- اسلام هم به کمیت توجه دارد، هم به کیفیت. (در مورد مقدار می فرماید: «والذاکرين الله كثيرا» و در مورد کیفیت می فرماید: «والقانتين» که اطاعت همراه با فروتنی است.)

۷- زن، حق مالکیت و بخشش مالی دارد. «المتصدقين والمتصدقات»

۸- همه ی توفیقات خود را از خدا بدانیم. (ذکر خدا در پایان کمالات آمده است.) «والذاکرين الله كثيراً»

۹- زن و مرد، در رشد کمالات معنوی و انسانی و دریافت پاداش یکسانند. «انّ المسلمین والمسلمات... اعدّ الله لهم»

۱۰- عمل نیک، کلید بخشش الهی است. «اعدّ الله لهم مغفرة»

۱۱- ابتدا بخشش الهی، سپس دریافت پاداش الهی. «مغفرة واجراً عظيماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۶

آیه

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

ترجمه

و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی نماید، پس بدون شک به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

نکته ها

اگر مسلمانان تسلیم این آیه بودند، پس از آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم به فرمان خداوند علی علیه السلام را به جانشینی خود و رهبری امت اسلام معرفی کرد و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» دیگری را بر علی علیه السلام ترجیح نمی دادند.

این آیه زمینه ساز آیه ی بعد است که به پیامبر می فرماید: تو باید سنت های غلط را بشکنی و مردم حق ندارند در برابر خواست خداوند اعمال سلیقه کنند.

این که آیه ی شریفه می فرماید: انسان در برابر فرمان خدا و رسول اختیاری ندارد، نباید برای کسی مایه تعجب باشد زیرا این کار، درست مانند این است که پزشک با قاطعیت به بیمار خود بگوید: تو حق نداری غیر از آنچه من دستور داده ام غذا یا داروی مصرف کنی. خداوند نیز ما را از انتخاب آزاد، طبق میل شخصی در برابر فرامین الهی منع کرده است، زیرا او راه سعادت ما را بهتر از ما می داند.

در روایت می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عباد الله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب... ألا فسلموا لله امره تکونوا من الفائزین» *میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۴۵. * ای بندگان خدا! شما همچون بیمار و خدا مانند طیب است، مصلحت مریض در نسخه طیب است نه آنچه بیمار تمایل دارد، پس تسلیم امر خدا باشید تا رستگار شوید. در نظام حکومت دینی، خدا محوری بر دموکراسی و مردم سالاری حاکم است، زیرا نظر مردم مادامی ارزش دارد که مخالف حکم خدا نباشد.

پیام ها

۱- سنّ و سواد و نژاد و قدرت و ثروت و شهرت و قبیله و طرفدار و سازمان های بین المللی، هیچکدام سبب ایجاد حق در برابر قانون الهی نمی شود. «ما کان لمؤمن ولا مؤمنه»

۲- نشانه ی ایمان، تعبد در برابر خدا و رسول است. «ما کان لمؤمن ولا مؤمنه...»

۳- در تسلیم و تعبد، زن و مرد تفاوتی ندارند. «لمؤمن ولا مؤمنه»

۴- هر کس در برابر قانون خدا و سنت پیامبر، قانونی بیاورد، در ایمان خود شک کند. «ما کان لمؤمن ولا مؤمنه»

۵- دستورهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همچون دستورهای خداوند واجب الاجراست. «اذا قضی الله و رسوله»

۶- خدا و رسول بر امور مردم ولایت کامل دارند. «قضی الله و رسوله امرأ»

۷- اجتهاد در برابر نص، ممنوع است. (آن جا که حکم الهی روشن است، هیچ کس حق اظهار نظر ندارد). «ما کان - لهم الخیره»

۸- آزادی انسان در چارچوب قوانین الهی است. «ما کان - لهم الخیره»

۹- عقل باید تابع وحی و سلیقه باید تابع وظیفه باشد. «ما کان - لهم الخیره»

۱۰- هر انتخاب و نظریه ای که مخالف قانون و قضاوت خدا و رسول باشد، معصیت و انحراف آشکار است. «و من یعص الله ...

ضلالاً مبیناً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۷

آیه

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَهَا لَكِنَّ لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

ترجمه

(و) به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه)، کسی که خداوند بر او نعمت (اسلام و ایمان) داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی می گفتم: همسرت را نگاه دار (و او را طلاق نده) و از خدا پروا کن و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او ترسی. پس چون دوران کامیابی زید از همسرش پایان یافت (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است.

نکته ها

«أدعياء» جمع «دعی» به معنای پسر خوانده است. «وَطَّرَ» به معنای نیاز و حاجت است.

به گفته ی اکثر مفسران و مورخان، این آیه مربوط به زید بن حارثه است. او برده ای بود که خدیجه به پیامبر اسلام بخشید و حضرت آزادش نمود. قبیله ی زید او را از خود راندند و پیامبر زید را فرزند خوانده ی خود قرار داد. بعد از ظهور اسلام، زید به آیین محمد صلی الله علیه وآله گروید و از مسلمانان ممتاز و فرمانده لشکر در جنگ مته شد و در همان جنگ به شهادت رسید. پیامبر از دختر عمه اش زینب - که زنی سرشناس و از نوه های عبدالمطلب بود - برای زید خواستگاری کرد. در آغاز، زینب خیال کرد حضرت او را برای خودش خواستگاری می کند. اما بعد که فهمید برای زید است ناراحت شد، زیرا تا آن زمان هیچ زن آزادی (تا چه رسد به زنان سرشناس) همسر برده نمی شد. (گرچه برده ای آزاد و پسر خوانده ی پیامبر و از مسلمانان ممتاز باشد). پس از ازدواج، ناسازگاری بین آنان آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. بارها نزد پیامبر رفت ولی آن حضرت به او می فرمود: همسرت را نگاه دار و طلاق نده، «امسک علیک زوجک». به هر حال زید او را طلاق داد و دو ضربه ی روحی و اجتماعی بر زینب وارد شد، یکی همسر زید شدن که جامعه ی آن روز این کار را نمی پسندید، دوم طلاق گرفتن.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امر خداوند مأمور شد تا دو سنت جاهلی را بشکند.

الف: گرفتن همسر پسر خوانده که در جاهلیت مانند گرفتن همسر فرزند ناروا بود.

ب: گرفتن همسر برده ی خود که این هم در آن زمان، زشت و ناروا بود.

پیامبر اکرم زینب را به ازدواج خود در آورد و به مردم اطعامی داد که برای هیچ یک از همسران دیگرش نداد. چون در این آیه جمله ی «زَوْجَانِكَا» آمده، یعنی ما زینب را به ازدواج تو در آوردیم تا عادات و رسوم جاهلی را با عمل تو بشکنیم؛ زینب نیز بر سایر همسران پیامبر مباحثات می کرد که ازدواج شما به خواست پیامبر اکرم بوده ولی ازدواج من به فرمان خداوند متعال بوده است. سؤال: مراد از جمله ی «تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ» که خداوند به پیامبر اکرم می فرماید: تو در دل، مسأله ای را پنهان داشتی که خدا آن را آشکار می کند؛ چیست؟

پاسخ: امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤالات مأمون پیرامون عصمت انبیا فرمود: خداوند نام همسران پیامبر را به آن حضرت آموخته بود و در میان آنان نام زینب دختر جحش نیز بود؛ حضرت دید او همسر زید است و چگونه زن زید همسر او خواهد شد؟ این معنا در دل حضرت بود که با حکم خداوند به ازدواج پیامبر با زینب، حکمت آن آشکار شد. *تفاسیر المیزان و نورالثقلین؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۸۱. * * * بنابراین پیامبر هرگز کاری خلاف عصمت و مقام نبوت انجام نداد و از قبل علاقه ای به هیچ زنی نداشت تا چه رسد به همسر زید، پسر خوانده خود! نعوذ بالله.

او امر دو گونه است: مولوی، که باید عمل نمود و ارشادی که عمل کردنش به سود انسان است. در این جا امر پیامبر اکرم، که به زید فرمود: «امسک علیک زوجک» همسرت را نگاه دار، ارشادی بود و گرنه کسی که خداوند با جمله ی «انعم الله علیه» از او ستایش کرد، خلاف فرمان حضرت عمل نمی کرد. در آیه ی قبل نیز خواندیم: «و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تصمیم و رغبتی برای ازدواج با زینب نداشت، لذا سفارش او به زید، حفظ همسرش بوده نه طلاق او. «امسک علیک زوجک... زَوْجَانِكَا»

با توجه به دو آیه ی بعد که می فرماید: مبلغان واقعی از هیچ کس جز خدا نمی ترسند، «ولا یخشون احداً الا الله» مراد از ترس پیامبر در این آیه «و تخشی الناس» ترس از جوسازی هایی بود که به اهداف حضرت ضربه می زد زیرا ممکن بود مردم بگویند: پیامبر با همسر یک برده یا با همسر فرزند خوانده اش ازدواج کرده است.

پیام ها

۱ - انبیا، مرجع رسیدگی به مسایل مردم بودند. (زید بن حارثه بارها طلاق همسرش را به حضرت اعلام کرد ولی پیامبر همواره می

فرمود: صبر کن.) «و اذ تقول»

۲- خدا و رسول، ولی نعمت ما هستند. «انعم الله - انعمت»

۳- در بیان نعمت ها، ابتدا نعمت های معنوی و الهی را نام ببرید، سپس نعمت های مادی و دنیوی، «انعم الله علیه»؛ که مراد هدایت زید و اسلام آوردن اوست، «انعمت علیه»؛ که مراد آزاد کردن زید از بردگی است.

۴- اسلام و آزادی دو نعمت بزرگ است. «انعم الله علیه»؛ (توفیق مسلمان شدن. «انعمت علیه»؛ (آزاد کردن برده)

۵- اگر خواستید به جای نام، صفتی از کسی ذکر کنید، بهترین صفاتش را نام ببرید. «لِلذی انعم الله علیه و انعمت علیه»

۶- هرگاه همسری نزد شما شکایت کرد فوراً پیشنهاد جدایی ندهید. «امسک عليك زوجك» (اسلام طرفدار تحکیم بنیاد خانواده است.)

۷- در امر به معروف از اهرم عاطفه و تقوا استفاده کنید. «امسک عليك زوجك اتق الله»

۸- تقوا سبب تحکیم پیوند خانوادگی است. «امسک عليك زوجك و اتق الله»

۹- ولی نعمت بودن، ایجاد حق امر و نهی می کند. «انعمت علیه امسک عليك زوجك»

۱۰- لازمه ی قاطعیت و صلابت آن است که با افکار فاسد و منحرف، گرچه افکار عمومی باشد مبارزه کنیم. «و تخشی الناس والله احق ان تخشاه»

۱۱- در شکستن عادت های غلط اجتماعی، از هیاهوی مردم نترسید. «تخشی الناس و الله احق ان تخشاه»

۱۲- در اجرای فرمان خدا منتظر تأیید معجم بین المللی نباشید. «تخشی الناس والله احق ان تخشاه»

۱۳- همه ی طلاق ها و جدایی ها دلیل سرکشی و ناشزه بودن زن نیست. (بی علافگی زن به شوهر نباید دلیل عدم تمکین او باشد.) «قضی زیدٌ منها وطراً»

۱۴- زناشویی از نیازهای مهم انسان است. «وطراً» یعنی نیاز مهم و اساسی.

۱۵- مسائل زناشویی را با کنایه بگویید. «قضی زیدٌ منها وطراً»

۱۶- رهبران دینی جامعه باید در شکستن سنت های باطل پیشقدم باشند. «لکی لایکون علی المؤمنین حرج» (هموار کردن راه حق برای دیگران یک ارزش است)

۱۷- زنان بیوه محترم هستند و ازدواج با آنان کسر شأن نیست. «زوّجناکها» خداوند می فرماید: این ازدواج را ما مقرر کردیم.

۱۸- پای بندی به آداب و رسوم غیر الهی، زندگی را فلج می کند. «لکی لایکون علی المؤمنین حرج»

۱۹- ازدواج با همسر فرزند خوانده بعد از طلاق او جایز است. «اذا قضاوا منهنّ وطراً» (فرزند خواندگی در اسلام بوده است.)

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۸

آیه

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

ترجمه

بر پیامبر در (انجام) آنچه خداوند برای او تعیین کرده هیچ سختی و محذوری نیست، چنان که خداوند درباره ی انبیای قبلی نیز این سنت را قرار داده بود (که آداب و رسوم جاهلی و بی اساس را بشکنند)، و فرمان خدا همواره سنجیده و اندازه گیری شده است.

نکته ها

این آیه به منزله قطعنامه ی آیه قبل است که رهبر دینی باید خط شکن باشد و از ملامت ها نترسد و منتظر رضایت این و آن نباشد. امام رضا علیه السلام فرمود: «چون خداوند می دانست که منافقان ازدواج پیامبر را با همسر زید که پسر خوانده حضرت بود، دستاویز عیب جویی او قرار خواهند داد، این آیه را نازل کرد.»*تفسیر نورالثقلین و عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۳***.

پیام ها

- ۱ - پیامبر نباید در انجام فرمان خدا به جو سازی ها و مانع تراشی ها اعتنا کند. «ما كان على النبي...»
- ۲ - پیامبر، ممکن است وظایف و دستورهای اختصاصی نیز داشته باشد. «فرض الله له»
- ۳ - همه ی انبیا، خط شکن، و با افکار منحرف عمومی درگیر بوده اند. «من قبل»
- ۴ - سنت خدا در شکستن سنت های غلط است. «سنة الله»
- ۵ - فرمان های الهی، حساب شده و لازم الاجراست. «امر الله قدراً مقدوراً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۳۹

آیه

الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

ترجمه

کسانی که پیام های الهی را ابلاغ می کنند و از خدا می ترسند، و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است.

نکته ها

در این آیه سخن از قاطعیت و شهامت مبلّغ در ابلاغ دستورهای الهی به مردم است، ولی باید بدانیم که در مواردی مدارا، نرمش و سکوت برای جذب قلوب لازم است.

خشیت غیر از خوف است، خشیت تأثر قلبی است که از عظمت امری ناشی می شود، ولی خوف انتظار وقوع امر ناپسندی است که موجب پرهیز از آن می شود. انبیا هیچ گونه خشیتی از غیر خدا ندارند، زیرا تنها خداوند را بزرگ می بینند.

پیام ها

۱ - موفقیت در تبلیغ، شرایطی دارد:

الف: تداوم تبلیغ. «یبلّغون»

ب: تقوا در عمل. «یخشونه»

ج: شهامت و قاطعیت. «ولا یخشون احداً الا الله»

د: توکل به خدا. «و کفی بالله حسیبا»

۲ - همیشه تبلیغ با سخنرانی نیست، گاهی باید با عمل، حکم خدا را روشن ساخت. در دو آیه قبل فرمود: زن زید را بگیر تا خرافه

ای را از میان برداری، آنگاه در این آیه می فرماید: «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»

۳ - مبلّغان الهی، همواره دشمنان سرسخت و تهدید کننده دارند. «لا یخشون احداً»

۴ - خدا ترسی مقدمه ی شجاعت و شهامت است. «یخشونه ولا یخشون احداً»

۵ - مبلّغان الهی بدانند که حساب صبر و تحمل آنان با خداست. «کفی بالله حسیبا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴۰

آیه

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

ترجمه

محمد صلی الله علیه وآله، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

نکته ها

در این آیه هم کلمه «رسول» و هم کلمه «نبی» آمده است. «رسول» صاحب کتاب و «نبی» خبر دهنده است، یا آنکه «رسول» پیام آور و «نبی» انجام دهنده رسالت است. «معجم الفروق اللغویة».

«خاتم» به معنای نگین انگشتر است که در قدیم با حک کردن نام خود بر روی آن، پایان نامه ها و دستورها را با آن مهر می کردند. خاتم و در اینجا کنایه از آخرین پیامبر بودن است.

گرچه در قرآن آیات فراوانی بیانگر جهان شمولی و جاودانگی آیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، مانند: «للعالمین نذیرا» «فرقان»، ۱. «لأنذرکم به و من بلغ» «انعام»، ۱۹. «کافه للناس» «سبا»، ۲۸. و در روایات، حدیث متواتر «لا نبی بعدی» و حدیث معروف «حلال محمد حلال ابد الی یوم القیامه» «کافی»، ج ۱، ص ۵۸. و ده ها حدیث دیگر بر این مطلب تأکید کرده اند، ولی این آیه روشن ترین دلیل بر خاتمیت پیامبر اسلام است.

این آیه تنها آیه ای است که هم نام پیامبر و هم رسالت پیامبر را در قالب دو عنوان ذکر کرده است: «محمد» «رسول الله»، «خاتم النبیین»

چند سؤال

۱ - چرا پس از اسلام انسان ها به پیامبر جدید نیاز ندارند؟

پاسخ: دلیل اصلی تجدید نبوت ها و آمدن پیامبران جدید، دو چیز بوده است: یکی تحریف دین سابق، به گونه ای که از کتاب خدا و تعالیم پیامبر پیشین امور بسیاری تحریف شده باشد و دیگری تکامل بشر در طول تاریخ که مقتضی نزول قوانین جامع تر و کامل تر بود.

اما پس از پیامبر اسلام، این دو امر واقع نشده است. زیرا اولاً قرآن، بدون آنکه کلمه ای از آن تحریف شود، در میان مردم باقی است و ثانیاً جامع ترین و کامل ترین قوانین در آن مطرح شده و بر اساس علم خداوند، تا روز قیامت هیچ نیازی برای بشر نیست، مگر آنکه حکمش در اسلام بیان شده است.

۲ - چگونه نیازهای متغیر انسان با خاتمیت دین سازگار است؟

پاسخ: انسان در مراحل تحصیلی خود تا درجه ی اجتهاد و دکتری به استاد نیاز دارد، پس از آن به مرحله ای می رسد که می تواند بدون استاد، نیازهای خود را از مطالبی که آموخته به دست آورد. باب اجتهاد باز است و می توان قوانین مورد نیاز را از قواعد کلی استنباط کرد. البته بر اساس اصولی که فقها برای استخراج احکام تدوین نموده اند.

۳ - چرا رابطه بشر با عالم غیب قطع شد؟

پاسخ: وحی نازل نمی شود ولی رابطه با غیب همچنان باقی است، امام معصوم علیه السلام حضور دارد و فرشتگان الهی بر او نازل می شوند، «بنگرید به اصول کافی بحث امامت» «امدادهای غیبی به انسان های شایسته می رسد؛ حتی افراد عادی اگر متقی باشند نور الهی پیدا می کنند و خداوند راه حق را به نحوی به آنان نشان می دهد. «اتقوا الله... يجعل لکم نورا» «حدید»، ۲۸. «پیام ها

۱ - پسر خوانده هرگز پسر نیست و پدر خوانده نیز پدر نیست تا ازدواج او با همسر مطلقه ی پسر خوانده اش جایز نباشد. «ما کان محمد أباً أحد و رجالکم»

۲ - حکم مادری همسران پیامبر برای مردم، (که در آیه ۶ مطرح شد) دلیل حکم پدری آن حضرت نیست. «ما کان محمد أباً أحد...»

۳ - خاتمیت پیامبر اسلام، بر اساس علم و حکمت الهی است. «خاتم النبیین - الله بکل شیء علیما»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴۱، ۴۲

آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا
وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید.
و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستابید).

نکته ها

یاد خداوند تنها با زبان و گفتار نیست، بلکه در هر فکر، کار و حرکتی رضایت خداوند را در نظر داشتن است.
قرآن برای ذکر خدا آثار و برکاتی بیان کرده و یکی از دلایل نماز را ذکر خدا دانسته است، «اقم الصلاة لذكركم» ***.۱۴
یاد خدا تنها وسیله ی آرامش دل هاست. «الا بذكر الله تطمئن القلوب» ***.۲۸ و روح آرام و نفس مطمئن به پرواز در
می آید و به حق می رسد. «يا ايها النفس المطمئنة . ارجعي الي ربك» ***.۲۷ - ۲۸ و اعراض از ذکر خدا زندگی نکبت
باری را به همراه دارد «و من اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكا» ***.۱۲۴.

گفته اند: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام نمونه ای از ذکر کثیر است. ***.۵۰۰ ج ۲، ص

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس زبان ذاکر داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است. و امام صادق علیه
السلام فرمود: هر چیزی حدی دارد جز ذکر خدا.

در حدیث می خوانیم: قلب و روح، مثل آهن زنگ می زند و ذکر خدا وسیله ی روشنی و جلای آن است.

در روایات آمده است: ذکر خدا تنها با زبان نیست، ذکر واقعی آن است که هنگام حلال و حرام یاد خدا کنیم و از گناه دست
برداریم. ***. میزان الحکمة و سفینه البحار (ذکر) ***.

پیام ها

۱ - خطاب زیبا و محرمانه، وسیله ی جذب مردم و زمینه ی پذیرش آنان است. «يا ايها الذين آمنوا»

۲ - یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد. «اذكروا الله ذكراً كثيراً»

۳ - بهترین ذکر خدا، تسبیح و تنزیه اوست. «اذكروا الله... و سبِّحوه»

۴ - آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم. «سبِّحوه بُكْرَةً وَأَصِيلًا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴۳

آیه

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَةٌ لِّيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيْمًا

ترجمه

او کسی است که بر شما درود می فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می فرستند) تا شما را از تاریکی ها (کفر، شرک، جهل،
تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) در آورند و او به مؤمنان مهربان است.

نکته ها

در آیه ی قبل فرمود: خدا را بسیار یاد کنید. در این آیه می فرماید: خداوند بر شما صلوات می فرستد؛ گویا صلوات خدا ذکر کثیر
شماست، مثل آیه ی «اذكروني اذكرکم» ***.۱۵۲.

پیام ها

۱ - راه دعوت مردم به دین، درود و رحمت است. «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ... ليخرجكم»

۲- فرشتگان، هم بر مؤمنان درود می فرستند، «یصلیٰ علیکم و ملائکته لیخرجکم» و هم برای آنان استغفار می کنند. «و یتغفرون للذین آمنوا» غافر، ***7.

۳- انسان در خارج شدن از ظلمات، به امداد الهی نیاز دارد و عقل و علم بشر کافی نیست. «هو الذی یصلیٰ ... لیخرجکم من الظلمات»

۴- تاریکی ها، متعدّد است. «الظلمات» تاریکی جهل، شرک، تفرقه، غفلت و خرافات.

۵- ایمان به خداوند و حقایق الهی، نور راه انسان است. «الی النور و کان بالمؤمنین»

۶- ایمان، کلید دریافت رحمت و ویژه ی الهی است. «بالمؤمنین رحیماً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۴۴

آیه

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

ترجمه

تَحِيَّتِ آنان در روزی که خدا را ملاقات کنند سلام است؛ و خداوند برای آنان پاداشی نیکو فراهم کرده است.

نکته ها

کلمه ی «تَحِيَّتِ» از «حیات»، به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است.

مراد از «یوم یلقونهُ»، «روز ملاقات»، روز رستاخیز است که با کنار رفتن پرده ها، انسان به مقام شهود باطنی و دید قلبی می رسد،

گویا خدا را ملاقات می کند.***تفسیر نمونه***.

سلام، هم از طرف خداست. «سلام قولاً من ربّ رحیم»***یس، ۵۸***.

هم از سوی فرشتگان است. «سلام علیکم بما صبرتم»***رعد، ۲۴***.

هم نشانه ی سلامتی است. «ادخلوها بسلام آمنین»***حجر، ۴۶***.

هم سخن رسمی بهشتیان است. «قیلاً سلاماً سلاماً»***واقعه، ۲۶***.

پیام ها

۱- سلام، درود بهشتی و بهشتیان است. «تَحِيَّتُهُمْ... سلام»

۲- پاداش های الهی، هم بزرگوارانه است، هم بزرگ و گرانقدر. «اجراً کریماً»، «اجراً عظیماً»***نساء، ۴۰***.

سوره ۳۳- احزاب آیه ۴۵، ۴۶

آیه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

ترجمه

ای پیامبر! همانا ما تو را گواه (بر مردم) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم.

و (نیز) دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان (قرار دادیم).

نکته ها

در این دو آیه، نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در جامعه بیان شده است.

او مردم را به سوی خدا دعوت می کند و شیوه ی او در این دعوت، بشارت و انذار است، اما نه فقط با زبان، بلکه عمل او نیز

حجّت بر مردم و الگویی برای آنان است.

پیام ها

- ۱- باید نقش و مسئولیت افراد را به آنان و جامعه اعلام کرد. «یا ایها النبی انا ارسلناک...»
- ۲- در برابر نیش ها و آزار دشمن، تجلیل لازم است. «ارسلناک شاهداً و...»
(در آیه ی بعد می خوانیم: «وَدَعَّ اَازَاهَم»)
- ۳- پیامبر بر اعمال مردم گواه است. «شاهداً»
- ۴- کسی می تواند بشارت و هشدار دهد که بر اعمال و رفتار مردم شاهد و در صحنه حاضر باشد. «شاهداً و مبشراً»
- ۵- در تبلیغ و تربیت، بشارت و انذار هر دو لازم است. «مبشراً و نذیراً»
- ۶- بشارت و انذار، وسیله ی دعوت انبیاست. «مبشراً و نذیراً و داعیاً»
- ۷- انبیا مردم را به سوی خدا دعوت می کنند، نه خود. «داعیاً الی الله»
- ۸- انبیا نیز در برابر خداوند از خود استقلالی ندارند و موفقیت و دعوت آنان با اذن الهی است. «باذنه»
- ۹- پیامبر در جامعه، چراغ هدایتی است که نور آن سبب رشد، حرکت و تشخیص است. «سراجاً منیراً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴۷، ۴۸

آیه

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا
وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعَّ أَازَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً

ترجمه

و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند بخششی بزرگ است.
و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا توکل نما که خداوند برای وکالت کافی است.

نکته ها

بی اعتنایی به آزار و اذیت دشمنان به معنای سستی و کوتاهی در برخورد با آنان نیست، بلکه به معنای توکل و امیدواری به رحمت الهی، دلسرد نشدن از برخوردهای آنان است.

پیامبر، از جانب خداوند مأمور می شود تا به مؤمنان بشارت دهد که لطف و فضل ویژه او شامل حال آنان می شود و این خود بزرگ ترین لطف خداست.

این آیه، «و بشر...» مصداق و نمونه ی آیه ی قبل است که فرمود: «مبشراً».

پیام ها

- ۱- ایمان، شرط دریافت الطاف ویژه ی الهی است. «بشر المؤمنین»
- ۲- رهبر باید به مؤمنان بشارت دهد. «بشر المؤمنین»
- ۳- رفتار خدا با مؤمنان بر اساس فضل است. «من الله فضلاً» البته تفضلات الهی بر بندگان، دارای درجات و مراتبی است. «فضلاً کبیراً»
- ۴- کسی که به سرچشمه ی قدرت حق دلگرم شد، می تواند از منحرفان جدا شود. «من الله فضلاً کبیراً - ولا تطع...»
- ۵- بی اعتنایی به کار شکی های کفار و منافقان و مقاومت در برابر خواسته های آنان، به توکل نیاز دارد. «لا تطع - دَعَّ أَازَاهُمْ - تَوَكَّلْ»
- ۶- کفار و منافقان در یک خط هستند. «ولا تطع الکافرین و المنافقین» کار هر دو آزار دادن مؤمنان است. «اذاهم»
- ۷- در شرایطی، رهبر باید فقط ارشاد کند و به فکر مقابله به مثل و انتقام از مخالفان نباشد. «دَعَّ أَازَاهُمْ»
- ۸- به خداوند توکل کنیم، زیرا او وکیل لایق و با کفایتی است. «و کفی بالله و کیلاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۴۹

آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه زنان با ایمان را به همسری گرفتید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، عدّه ای برای شما به عهده آنان نیست تا حسابش را نگهدارید، پس آنها را (با پرداخت مهریه و هدیه ی مناسبی) بهره مند سازید و به طرز شایسته ای رهاشان کنید.

نکته ها

مراد از «نکاح» عقد ازدواج و مراد از «تماس» آمیزش جنسی و مراد از «سراحاً جمیلاً» طلاق بدون خصومت و خشونت است. «عدّه» به مدتی گویند که زنان پس از طلاق، باید تا پایان آن صبر کنند و همسر دیگری نگیرند. عدّه ی طلاق زن، سه مرتبه حیض شدن و پاک شدن و عدّه ی وفات شوهرش چهار ماه و ده روز است. چند گروه از زنان به عدّه نیاز ندارند: یک گروه کسانی هستند که پس از عقد، تماس جنسی نداشته اند، گروه دیگر، زنان یائسه اند که از بچه دار شدن مأیوس اند. (زنان ۵۰ و ۶۰ ساله)

در آیه ی 236 سوره بقره نیز خواندیم که هدیه مرد به همسر مطلقه ی قبل از آمیزش، باید به قدر معروف و توانایی باشد. «علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف»

امام باقر علیه السلام فرمود: این گونه زنان (طلاق داده شده) با وحشت و غصّه و شماتت دیگران به خانه ی پدر بر می گردند و لذا باید به مقداری که توان دارید، با هدیه دل آنان را آرام کنید. «فمتّعهن و سرّوهن»

پیام ها

۱ - لازمه ی ایمان، عمل به دستورهای خداوند است. «یا ایها الذین آمنوا اذا نکحتم...»

۲ - اختیار طلاق، با مرد است. «طلّقتم» مگر مواردی که در شرع مشخص شده است.

۳ - مهم ترین شرط ازدواج، ایمان است. «آمنوا... نکحتم المؤمنات»

۴ - طلاق، نشانه ی شکست دینی نیست. «المؤمنات - طلقتموهن»

۵ - عدّه، حقّ مرد بر زن است تا اگر خواست رجوع کند، اما در طلاق قبل از تماس، مرد حقّ رجوع ندارد. «فما لکم علیهنّ من عدّه»

۶ - ضربه های روحی باید جبران شود. در طلاق پس از عقد، روحیه زن خرد می شود که با پرداخت مهریه ای مناسب، بخشی از آن جبران می شود. «فمتّعهن»

۷ - جدایی و طلاق به معنای کینه و خشونت نیست. «سرّوهن سراحاً جمیلاً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۰

آیه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكَ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ترجمه

ای پیامبر! ما برای تو همسرانی را که مهرشان را پرداخته ای حلال کردیم و همچنین کنیزانی را که (به عنوان غنایم جنگی) خداوند

بر تو ارزانی داشته و مالک شدی (بر تو حلال کردیم) و نیز (ازدواج با) دختران عمویت و دختران عمّه هایت و دختران دایی و دختران خاله هایت را که با تو هجرت کرده اند، (برای تو حلال کردیم) و زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهریه ای از حضرت نخواهد) اگر پیامبر بخواهد می تواند او را به عقد خویش در آورد؛ (این قانون عقد بدون مهریه) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان؛ همانا می دانیم که برای مؤمنان درباره ی همسران و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم، (این برای آن است که) تا برای تو مشکلی نباشد، و خداوند آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها

«أَفَاءٌ» از «فِیءٍ» به اموالی گفته می شود که بدون جنگ به دست مسلمانان می رسد. در عرب کلمات «عمّ» و «خال» به صورت جنس به کار می رود و همه ی عموها و دایی ها را شامل شود، ولی «عمّه» و «خاله» به صورت جمع می آید. «عمّاتک» «خالاتک»

در اسلام سه نوع نکاح وجود دارد:

الف: نکاح با مهریه (خواه دایم یا موقت).

ب: نکاح از طریق مالک شدن کنیز.

ج: نکاح بدون مهریه، که زنی خود را به مردی ببخشد.

نوع اول و دوم برای عموم است و نوع سوم تنها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. روزی عایشه گفت: یا رسول الله! خداوند هوای تو را دارد. پیامبر فرمود: «و انک ان اطعت الله سارع فی هواک»**بحار، ج ۲۲، ص ۱۸۰***. تو نیز اگر مطیع خدا باشی، امتیازاتی به تو می دهد.

بر پیامبر جهاد یک تنه واجب بود. «لا تکلف الا نفسک و حرّض المؤمنین»**نساء، ۸۴***. بر پیامبر نماز شب واجب بود و ... اکنون یک امتیاز مادی در برابر آن همه سختی**رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: هیچ پیامبری چنان که من اذیت شده ام آزار ندیده است. «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت»**چیزی نیست.

سؤال: چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنان متعدّد داشت؟

پاسخ: اولاً: در ازدواج های رسول خداصلی الله علیه و آله مسأله شهوت محور نبوده است، زیرا پیامبر عزیز اسلام از ۲۵ سالگی تا ۵۳ سالگی فقط با خدیجه زندگی کرد، زنی که هنگام ازدواج سنّش پانزده سال از حضرت بیشتر بود و پیامبر تا او را داشت با دیگری ازدواج نکرد.

ثانیاً: تمام قبایل علیه حضرت بودند و پیامبر باید با طرحی دقیق این وحدت نامقدس را می شکست و بهترین و ساده ترین و ارزان ترین و طبیعی ترین راه این بود که پیامبر داماد قبایل مختلف شود و مردم طبق رسوم آن زمان حمایت داماد را بر خود لازم می دانستند و پیامبر بدین وسیله می توانست مشکلات راه تبلیغ دین را هموار کند.

ثالثاً: بعضی ازدواج ها برای مبارزه با آداب و رسوم غلط بود. نظیر ازدواج پیامبر با زینب دختر عمّه اش که در آیه ی ۳۷ همین سوره گذشت.

رابعاً: پیامبر بعضی زنان را تنها عقد نمود و با آنان همبستر نشد و از بعضی قبایل تنها خواستگاری نمود و عقد هم نکرد و همین رفتارها وسیله ی ارتباط می شد.

خامساً: اگر هدف مسأله ی جنسی بود باید از این همه همسر فرزندان بسیاری می داشت.

سادساً: عایشه بسیار کوچک بود که به عقد پیامبر در آمد و مدّت ها گذشت تا توانست همسر واقعی حضرت باشد. اگر هدف مسایل جنسی باشد انسان با بچه ازدواج نمی کند.

سابعاً: ما نباید پیامبر را با خود مقایسه کنیم؛ ما با داشتن یک همسر از بسیاری توفیقات باز می مانیم، ولی پیامبر اکرم با داشتن چند

همسر چنان غرق در عرفان و مناجات و تبلیغ بود که خداوند به حضرت خطاب می کند: چرا این قدر به خاطر هدایت مردم حرص می خوری «لعلک باخع نفسک» **شعراء**، ***3. چرا خود را به مشقت می اندازی، «لشقی» **طه، ۲.*** چرا حلال هایی را بر خود حرام می کنی، «لم تُحرم...» آری، نسیم تند معرفت، خیمه ی وجودی پیامبر را چنان بلند می کرد که این همه زن، نمی توانست آن را از پرواز باز دارد.

به هر حال، ازدواج های مجدد پیامبر بعد از سن ۵۳ سالگی بوده است، آن هم با زنان بیوه و متروکه یا داغدیده، با تمایل کامل آنان به ازدواج و اجرای عدالت از سوی پیامبر و آموختن درس عملی برای اداره چند همسر و انتخاب زندگی ساده و بی توجّهی به خواسته های تجمل گرایانه ی برخی همسران. علاوه بر همه ی این ها در آن زمان داشتن چند همسر هیچ عیبی نبوده است و گاهی همسر اول به خواستگاری همسر دوم می رفت و ده ها نکته ی دیگر که باید در آنها دقت نمود.

پیام ها

- ۱- تعیین حلال و حرام به دست خداست. «أنا احللنا لك» (حتی پیامبر در مسایل فردی تابع قانون الهی است).
- ۲- مهریه برای زن لازم و پرداخت آن از سوی مرد واجب است. «آیت اجورهن»
- ۳- غرایز جنسی را جدی بگیرد، حتی کنیزان باید کامیاب باشند. «ما ملکت یمنک»
- ۴- اسلام برای شخص پیامبر، تکالیف و همچنین امتیازات خاص قرار داده است. «خالصة لك»
- ۵- تعیین زنانی که می توان با آنان ازدواج کرد، از سوی خداوند است. «فرضنا علیهم فی ازواجهم»
- ۶- خداوند دوست ندارد پیامبر در تنگنا قرار گیرد. «لکیلا یكون علیک حرج»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۵۱

آیه

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتِغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَأَ عَنِتْهُمْ وَلَا يُخْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

ترجمه

از همسرانت هر کدام را خواهستی می توانی (نوبت او را) مؤخر داری و هر که را خواهی نزد خود جای دهی، و بر تو باکی نیست هر کدام را که (برای مدتی) ترک کرده ای دوباره طلب کنی؛ این (حکم) برای آن که چشمانشان روشن شود و ناراحت نشوند و همه ی آنان به آنچه در اختیارشان می گذاری راضی باشند مناسب تر است، و خداوند آنچه را در دل های شماست می داند، و خداوند دانا و بردبار است.

نکته ها

کلمه «تُرْجَى»، از «ارجاء» به معنای تأخیر انداختن و «تؤى» از «مأوى» به معنای مکان دادن است. این دو کلمه کنایه از طلاق و نگهداری یا تأخیر و تقدّم در همبستری است.

اجرای عدالت در میان همسران واجب است، ولیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل مشکلات فراوان و جهاد با دشمنان و تلاش برای جامعه، از طرف خداوند مجاز بود که موعده همسران خود را تغییر دهد، به جای این که هر شب در منزل یکی از آنان باشد، چند شب پیاپی در یک جا بماند، بعد چند شب دیگر منزل دیگری باشد. **مستفاد از حدیثی در کافی، ج ۵، ص ۳۸۸.***

البته بعضی مفسران این آیه را درباره ی اختیار پیامبر در کم و زیاد کردن نفقه همسران یا رد کردن تقاضای زنان هبه ای و بعد پذیرفتن آنها و یا طلاق اولیّه و رجوع ثانوی تفسیر کرده اند.

پیام ها

- ۱- برای افرادی که مسئولیت های سنگین دارند باید اختیاراتی ویژه گذاشت. «تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ» کسانی که عدالت و تقوا و

عملکردشان برای همه روشن است، می توانند در همان چهار چوب عدل و تقوا در زندگی خود تغییراتی ایجاد کنند. چنانکه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدّم همخوابگی با هریک از آنان اطمینان خاطر داشتند.)

۲- اختیارات پیامبر، به معنای نادیده گرفتن حقّ همسران نیست. «تقرّ اعینهنّ - لا یحزنّ - یرضین»

۳- چشم همسر به دو چیز روشن می شود: یکی نداشتن غم و دیگری رضایت قلبی. «تقرّ اعینهنّ و لا یحزنّ و یرضین»

۴- راضی کردن همسر نباید مخصوص روزهای اول زندگی باشد، بلکه باید همواره چنین باشد. «و یرضین»

۵- جلب رضایت صد در صد چند همسر، محال عادی است، ولی باید چنان برنامه ریزی کرد که به این امر نزدیک باشد. «ادنی ان... یرضین»

۶- مرد باید در صد راضی کردن تمام همسران خود باشد. «کلهنّ»

۷- احکام الهی برای برقراری عدالت و حفظ حقوق خانواده است، گرچه در دلها توقع چیز دیگری باشد. «والله یعلم ما فی قلوبکم»

۸- احکام خانواده در اسلام، از سرچشمه ی علم الهی است. «کان الله علیماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۲

آیه

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

ترجمه

از این پس، هیچ زنی بر تو حلال نیست، و نباید (همسرانت را رها کنی و) همسر دیگری به جای آنان بگیری، هر چند زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر کنیزانی که مالک آنها می شوی؛ و خداوند بر هر چیزی مراقب است.

نکته ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف برخی قبایل تحت فشار بود تا همسری از آنان بگیرد و آنان افتخار کنند که رسول خدا داماد آنهاست. پیامبر طبق مصالحی زنانی را به ازدواج خویش در آورد اما این آیه تداوم این کار را منع فرمود.

پیام ها

۱- در قرآن، احکام ثابت و متغیر وجود دارد. «لا یحلّ.. من بعد» آری، عنصر زمان، می تواند در اجرای احکام مؤثر باشد.

۲- تعدّد همسر حتی برای پیامبر محدودیت دارد. «لا یحلّ.. من بعد»

۳- خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی زنی را جایگزین همسر اول خود می نمایند. «رقیباً»

۴- پیامبر موظف است حلال و حرام کار خود را از خداوند بگیرد. «لا یحلّ لک»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۳

آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَسِينِينَ لِخَدِيثِ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هر گاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و

(بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می دهد، اما او از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل های شما و دل های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

نکته ها

اجازه گرفتن برای ورود به خانه ی دیگران، مخصوص خانه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست، همان گونه که در سوره ی نور می خوانیم: «لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنوا» ***۲۷ نور، ***.

در این آیه قسمت هایی از آداب مهمانی مطرح شده، و در آیات دیگر بخش های دیگری از آن آمده است:

* هنگام ورود، سلام کنید. «فسلموا» ***۶۱ نور، ***.

* اگر جواب ردّ دادند ناراحت نشوید و برگردید. «اذا قیل لکم ارجعوا فارجعوا» ***۲۸ نور، ***.

* نوع پذیرایی به خصوص اگر دعوت کرده اید، خوب باشد. «و جاء بعجل حنیذ» ***۶۹ هود، ***.

* سفره را نزد مهمان ببرید، نه آنکه مهمان را به محل پذیرایی ببرید. «فقرّبه الیهم» ***ذاریات، ***۲۷.

در روایات نیز دهها نکته و دستور پیرامون آن وارد شده است.

«اناه» به معنای پخته شدن غذاست و «غیر ناظرین اناه» یعنی مهمان زودتر از وقت پذیرایی نباید تا منتظر پخته شدن غذا بماند. خانه ی پیامبر، اتاق های متعدد داشته و هر یک از همسران در اتاقی زندگی می کردند. «بیوت النبی» خطاب هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، در حقیقت مربوط به همه ی زنان مسلمان است، به دلیل «اطهر لقلوبکم و قلوبهن» که خداوند درباره ی هر زن و مردی پاکدلی را می خواهد. چون خطر سوء استفاده از همسران پیامبر، مهم تر از حق شخصی آنهاست، باید بعد از پیامبر حق ازدواج با دیگران از آنان سلب شود. «ولا ان تنکحوا ازواجه»

پیام ها

- ۱- ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...»
- ۲- حق آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله. «لا تدخلوا بیوت النبی»
- ۳- بهتر آن است که مهمانی در منزل باشد. (نه در مهمانسرا و هتل) «بیوت النبی... الی طعام»
- ۴- صاحب خانه حق دارد به کسی اذن ورود ندهد. «الا ان یؤذن لکم»
- ۵- اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصاً اجازه بدهد. («یؤذن» به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود.)
- ۶- پذیرایی از مهمان، از سیره ی پیامبر اکرم است. «الی طعام... دُعیتم»
- ۷- اصل مهمانی مهم است، نه نوع غذا. «الی طعام... دُعیتم»
- ۸- دین جامع آن است که هم برای مسایل جزئی همچون پذیرایی از مهمان و هم بزرگ ترین مسایل حکومتی برنامه داشته باشد. «یؤذن لکم - غیر ناظرین - فانتشروا...»
- ۹- بی دعوت به مهمانی نروید. «اذا دعیتم»
- ۱۰- در اسلام، مردم عادی می توانند به خانه اول شخصیت دینی رفت و آمد کرده و حتی مهمان شوند. «بیوت النبی... دُعیتم»
- ۱۱- از آداب مهمانی آن است که بعد از خوردن غذا خانه را ترک کنید. «فانتشروا» و منزل میزبان را محلّ گفت و شنود قرار ندهید. «و لا مستأنسین لحدیث»

۱۲ - اذیت کردن میزبان ممنوع است. «یُؤذی النبی» (گرچه با بردن فرزندان و یا همراهان باشد. تحقیر غذا و ناچیز شمردن آن نیز مصداق اذیت میزبان است).

۱۳ - پیامبر، از اتلاف وقت در گفتگوهای بی مورد رنج می برد. «لا مستأنسین لحديث ان ذلکم کان یؤذی النبی»

۱۴ - رنجاندن لازم نیست ظاهری و جسمی باشد، فشار اخلاقی و روحی نیز نوعی آزار دادن است. «ذلکم کان یؤذی»

۱۵ - صاحبخانه را در بن بست و رودربایستی قرار ندهید. «فیستحی منکم»

۱۶ - سکوتی که بر اساس حیا و رودربایستی باشد، علامت رضایت نیست. «فیستحی منکم»

۱۷ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخص با حیایی بود. «فیستحی منکم»

۱۸ - اگر به دلیلی شخصی از روی حیا سکوت کرد، دیگران سکوت را بشکنند و حق را بیان کنند و بار خجالت را از دوش او بردارند. «والله لا یستحی من الحق»

۱۹ - ارتباط با دیگران و داد و ستد زنان، با حفظ حجاب مانعی ندارد. «فاسئلوهن من وراء حجاب»

۲۰ - زنان پیامبر محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند. * * * شاید امروزه کسانی باشند که اگر یک لیوان آب از همسرشان بخواهی ناراحت می شوند که چرا با خانم من سخن گفتید، ولی قرآن می فرماید: با حفظ حجاب از زنان پیامبر نیز می توان چیزی درخواست نمود. * * * «فاسئلوهن من وراء حجاب»

۲۱ - در استدلال بر لزوم حجاب زن، دلیلی بیاورید که مورد اتفاق همه باشد. «ذلکم اطهر لقلوبکم»

۲۲ - در نحوه ی ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد. «اطهر لقلوبکم و قلوبهن»

۲۳ - نگاه نامحرمان به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است. «فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن»

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

۲۴ - حجاب به نفع زن و مرد هر دو است. «اطهر لقلوبکم و قلوبهن»

۲۵ - رابطه با نامحرم بدون حفظ حجاب، سبب رنجاندن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. «و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله»

۲۶ - آزار پیامبر از گناهان کبیره است. «کان عندالله عظیماً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۴

آیه

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

ترجمه

اگر چیزی را آشکار نمایید یا پنهانش کنید پس بی شک خداوند به هر چیزی داناست.

پیام ها

۱ - خداوند، نه تنها به اعمال ما، بلکه به همه چیز آگاه است. «فان الله کان بكل شیء علیما»

۲ - علم خداوند به پنهان و آشکار امور یکسان است. «کان بكل شیء علیما»

۳ - اگر بدانیم همه چیز برای او روشن است، ریا و نفاق چرا؟ «بكل شیء علیما»

۴ - حفظ حجاب ظاهری و برقرای رابطه ی پنهانی، نشانه ی بی ایمانی به علم خداست. «تبدوا شیئا أو تخفوه فان الله... علیما»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۵

آیه

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ وَلَا أُمَّهَاتِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَأَتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

ترجمه

بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرشان و دیگر زنان مسلمان و کنیزانشان گناهی نیست، و تقوای الهی پیشه کنید زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است.

نکته ها

این آیه کسانی را که به واسطه ی نسبی به زن محرم هستند نام برده، اما محرمان سببی همچون داماد و برادر رضاعی و نیز کودکانی که به سن تکلیف نرسیده و مسایل شهبوانی را درک نمی کنند، بر زنان محرم هستند.***در مورد مسائل حجاب و محرم و نامحرم به توضیح المسائل مراجع تقلید مراجعه شود***.

گرچه بعضی این آیه را مربوط به زنان پیامبر دانسته اند، ولی به نظر می رسد که آیه مربوط به تمام زنان باشد.

پیام ها

۱- در اسلام سختی و حرج نیست، بستگان درجه ی اول که دائماً در خانواده رفت و آمد می کنند، با یکدیگر محرمند. «لا جناح...»

۲- میان زنان مسلمان، حجاب لازم نیست، ولی نزد زنان غیر مسلمان حجاب لازم است. «نساءهن»

۳- محرم بودن، به معنای بی مبالاتی و بی تقوایی نیست. «لا جناح علیهن... واتقین الله»

۴- گواه بودن خدا بر اعمال انسان، بهترین عامل و اهرم رعایت تقواست. «واتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیداً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۶

آیه

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

ترجمه

همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم.

نکته ها

در کتاب های ششگانه ی اهل سنت روایاتی آمده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

در صحیح بخاری***صحیح بخاری، حدیث ۵۸۸۰*** (باب چگونگی صلوات بر پیامبر) وقتی این حدیث را نقل می کند، در

همان نقل حدیث، کلمه ی «آل محمد» را حذف کرده، چنین می نویسد: از محمد «صلی الله علیه و سلم» پرسیدند: چگونه

صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد!»

در کنار نام پیامبر، ذکر صلوات مهم است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که در کتاب و نوشته ای بر من صلوات فرستد تا

آن صلوات در آن نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود.»***تفسیر روح البیان***.

در حدیث می خوانیم: «هر کس بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله یک صلوات فرستد، خداوند ده صلوات بر او می فرستد و ده

لغزش او را می پوشاند.»***تفسیر مجمع البیان***.

صلوات، کلید استجاب دعا و سبب سنگین شدن میزان مؤمن در قیامت می شود.

خداوند در قرآن به پیامبرش می فرماید: به زکات دهندگان صلوات فرست، «خذ من اموالهم صدقة... صل علیهم»***توبه،

۱۰۳***، در این آیه به مردم سفارش می کند که بر پیامبر صلوات فرستاده شود. آری، در اسلام رابطه مردم و رهبر، رابطه

صلوات و درود است همان گونه که در آیه ۵۴ سوره انعام خدا به پیامبرش دستور می دهد به کسانی که به ملاقات می آیند سلام

کن. «اذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم»

امام صادق علیه السلام فرمود: «درود خداوند به معنای رحمت، درود ملائکه به معنای به پاکی یاد کردن و درود مردم به معنای دعاست.»**تفسیر نورالثقلین**.

پیام ها

۱- هرگاه خواستید دیگران را به کار خیری دعوت کنید، اول خود و دست اندرکاران شروع کنید). خداوند برای فرمان صلوات به مردم، اول از صلوات خود و فرشتگان نام می برد.) «ان الله و ملائکته یصلون»

۲- صلوات خدا و فرشتگان دایمی است. «یصلون»

۳- صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است. «یا ایها الذین آمنوا صلوا»

۴- درود لفظی کافی نیست، تسلیم عملی نیز لازم است. «صلوا علیه و سلموا»

۵- رابطه ی مردم و رهبر در حکومت الهی، صلوات و سلام است. (علاقه ی قلبی کافی نیست، اظهار علاقه لازم است.) «صلوا علیه و سلموا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۷

آیه

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا

ترجمه

همانا کسانی که خدا و رسولش را آزار می دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت می کند، و برای آنان عذاب خوار کننده ای آماده کرده است.

نکته ها

آزار خداوند، یعنی انجام کاری بر خلاف خواست و رضای او که به جای جلب رحمت الهی، غضب و لعنت خداوند را به دنبال دارد.

شاید مراد از اذیت خدا، اذیت بندگان خدا باشد، نظیر قرض دادن به بنده که قرض دادن به خداست، و مراد از اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله تکذیب و تهمت و برخورد بی ادبانه با آن حضرت و اذیت کردن اهل بیت اوست، همان گونه که در چند روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه بضعة منی فمن اغضبها اغضبنی»**صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳** فاطمه پاره ی تن من است، هر که او را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است.

پیام ها

۱- بنده ی مخلص به جایی می رسد که رنجاندن او، رنجاندن خدا می شود. «یؤذون الله و رسوله»

۲- بخشی از کیفر توهین و تحقیر و آزار و اذیت اهل ایمان، در همین دنیا ظاهر می شود. «لعنهم الله فی الدنيا»

۳- چون هدف ایذا کننده اهانت است، کیفر او نیز اهانت در آخرت است. «عذاباً مهیناً»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۵۸

آیه

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كَتَبْنَا لَهُمْ مَا كَتَبْنَا لَهُمْ فَمَنْ أَعْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

ترجمه

و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می دهند بدون شک بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده اند.

نکته ها

در ضررهای جسمی، قصاص و مقابله به مثل جایز است، «والعین بالعين و الانف بالانف و الأذن بالأذن و السن بالسن»**مانده، ۴۵*** ولی در ضربه های روحی و آبرویی دستور مقابله به مثل نداریم. قرآن نمی فرماید که اگر کسی به شما تهمت زد، شما هم به او بهتان بزنید، بلکه به گناهکار هشدار می دهد و در صورت لزوم به دستور حاکم شرع حد می خورد. شاید بتوان از جمله «بغیر ما اکتسبوا» استفاده کرد که آزار مسلمان خلافکار در چهار چوب قانون الهی مانعی ندارد.

پیام ها

- ۱- اصرار بر گناه به زشتی و کیفر آن می افزاید. («یؤذون» نشانه استمرار و اصرار بر اذیت است.)
- ۲- آبروی زن و مرد مؤمن، محترم و لطمه زدن به آن گناه بزرگی است. (حفظ آبرو به زن یا مرد بودن ربطی ندارد.) «المؤمنین والمؤمنات»
- ۳- گناهی تنبیه دارد که انسان با علم و عمد مرتکب شود. «اكتسبوا»
- ۴- گناه، بار انسان را سنگین می کند. «احتملوا»
- ۵- مهم ترین اذیت، زخم زبان و تهمت است. «یؤذون - بهتاناً»
- ۶- آزار و اذیت دیگران به هر شکلی که باشد، از جمله گناهانی است که خشم الهی را بدنبال دارد. «یؤذون... اثماً مبیناً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۵۹

آیه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ترجمه

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته ها

«جلابیب» جمع «جلباب»، به معنای مقنعه ای است که سر و گردن را بپوشاند،**تفسیر مجمع البیان*** و یا پارچه بلندی که تمام بدن و سر و گردن را می پوشاند.**تفسیر المیزان***.

در آیات گذشته سخن از اذیت و آزار مؤمنان به دست منافقان بود. این آیه می فرماید: برای آنکه زنان مؤمن مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه ای خود را بپوشانند که زمینه ای برای بی حرمتی آنان فراهم نشود.

بر اساس این آیه، نوعی روسری مورد استفاده ی زنان آن زمان بوده، لیکن زنان در پوشاندن خود از نامحرم دقت نمی کرده اند . لذا سفارش این آیه، نزدیک کردن جلابب به خود است، نه اصل جلابب که امری مرسوم بوده است.

این آیه که فرمان حجاب می دهد، با تهدید مطرح نشده بلکه فلسفه ی حجاب را چنین تبیین می کند: زنان و دختران، اگر بخواهند از متلک ها، تهمت ها، تهاجم ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشند باید خود را بپوشانند.

آفات بی حجابی

۱- رونق گرفتن چشم چرانی و هوسبازی.

۲- توسعه ی فساد و فحشا.

۳- سوء قصد و تجاوز به عنف.

۴- بارداری های نامشروع و سقط جنین.

۵- پیدایش امراض روانی و مقاربتی.

- ۶- خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی.
- ۷- بی مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود.
- ۸- بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی.
- ۹- رقابت در تجملات.
- ۱۰- ایجاد دلهره برای خانواده های پاکدامن.

پیام ها

- ۱- در امر به معروف، اول از خودی ها شروع کنیم سپس دیگران. «قل لازواجك و بناتك و نساء المؤمنین»
- ۲- در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر با دیگر زنان نیست. «لازواجك و بناتك و نساء المؤمنین»
- ۳- پوشیدن لباسی که معرف شخصیت زن برای تأمین عفت و آبرو باشد، لازم است. «يعرفن فلا يؤذین»
- ۴- بهانه به دست بیماردلان و مزاحمان عفت عمومی ندهید. (در آیات قبل هشدار به اذیت کنندگان بود، در این آیه تکلیف اذیت شوندهگان را مطرح می کند.) «يعرفن فلا يؤذین»
- ۵- رفت و آمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفت عمومی مانعی ندارد. «يعرفن فلا يؤذین»
- ۶- در امر به معروف و نهی از منکر، دلیل امر و نهی خود را بیان کنید. «فلا يؤذین»
- ۷- نوع لباس مردم در جامعه، می تواند معرف شخصیت، مکتب و هدف آنها باشد. «يعرفن فلا يؤذین»
- ۸- سرچشمه ی بسیاری از مزاحمت های هوسبازان نسبت به زنان و دختران، نوع لباس خود آنهاست. «يعرفن فلا يؤذین»
- ۹- زنان با حجاب باید با حضور خود در صحنه، جو عمومی عفاف و پاکدامنی را حفظ کنند و فرصت مانور را از هوسبازان بگیرند. «يعرفن فلا يؤذین»
- ۱۰- بد حجابی های گذشته قابل عفو است. «غفوراً رحیماً»
- ۱۱- مغفرت خداوند همراه با رحمت اوست. «كان الله غفوراً رحیماً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۶۰

آیه

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

ترجمه

اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می کنند (از کارشان) دست بر ندارند، حتماً تو را بر ضد آنان می شورانیم، آنگاه جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

نکته ها

«مُرجفون» از «ارجاف» به کسانی گفته می شود که با شایعه سازی، در جامعه ی اسلامی دلهره ایجاد می کنند. کسانی که به جبهه نمی رفتند، اما در شهر شایعه می کردند که مسلمانان شکست خوردند و کفار پیروز شدند یا پیامبر اسلام شهید شد، آنان با این اقدام زشت سبب نگرانی مردم می شدند.

«لَنُغْرِيَنَّكَ» از «اغراء» به معنای چسباندن و کنایه از تسلط همه جانبه است.

این آیه را اگر در ادامه آیه قبل ببینیم، مراد آن است که منافقان و بیماردلان مدینه مزاحم زنان مؤمن بودند که خداوند در آیه قبل به زنان دستور پوشش کامل داد و در این آیه به این بیماردلان هشدار می دهد و ممکن است این آیه مستقل باشد، و مراد این باشد که با توطئه گرانی که با جنگ سرد و شایعه سازی، ایجاد دلهره می کنند برخورد کرده و آنها را قلع و قمع نمایید.

با آن که تندترین تهدیدها در این آیه آمده و جامعه ی اسلامی همواره بزرگ ترین ضربه ها را از شایعه سازان خورده است، اما

متأسفانه در کتب فقهی کمتر به این موضوع توجه شده و حتی یکی از مجتهدان که سال ها قاضی بود می گفت: من ۵۴ کتاب فقهی را گشتم و تحت عنوان «ارجاف» بابتی را نیافتم.

جمله ی آخر این آیه «لنغریبنک بهم ثم لا یجاورونک...» را دو گونه می توان معنا کرد:
الف: چنان تو را بر آنان می شورانیم که همگی قلع و قمع شوند و جز مدّت کمی نتوانند در کنار تو بمانند.
ب: چنان آنان را تار و مار می کنیم که جز تعداد کمی از آنان در مجاورت تو باقی نمانند.
پیام ها

- ۱- قبل از برخورد با متخلفان، اتمام حجّت کنید. «لئن لم ینته... لنغریبنک»
- ۲- سعه ی صدر حدّ و اندازه دارد. «لئن لم ینته المنافقون» همیشه تساهل و تسامح جوابگو نیست.
- ۳- بیمار دلان در کنار منافقاند. «المنافقون - الذین فی قلوبهم مرض»
- ۴- قیام مسلمانان، بر اساس انتقام یا هوس نیست، بلکه با اراده و فرمان خداست. «لنغریبنک»
- ۵- اَمّت وفادار باید در رهبر ذوب شود و یکی شوند. «لنغریبنک» به جای «لنغریبنکم»
- ۶- اوّل کسی که باید در برابر به مخاطره اندازان امنیّت جامعه قیام کند، رهبر اسلامی است. «لنغریبنک بهم»
- ۷- اسلام چنان به امنیّت جامعه اهمیّت می دهد که فرمان اخراج کسانی را که در میان مردم دلهره و ناامنی ایجاد می کنند، صادر نموده است. «لنغریبنک بهم ثم لا یجاورونک»
- ۸- دشمنان را باید از شورش و اقدام انقلابی مسلمانان ترساند. «لنغریبنک بهم ثم لا یجاورونک»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۶۱، ۶۲

آیه

مَلْعُونِينَ اٰیْمًا تَقْفُوْا اٰخِذُوْا وَقْتِلُوْا قَتِيْلًا
سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الدِّیْنِ خَلُوْا مِنْ قَبْلُ وَ كُنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا

ترجمه

آنان لعنت شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند.
این سنّت خداوند درباره ی کسانی است که پیش از این بوده اند (و این فتنه انگیزی ها و دلهره ها را در جامعه به وجود می آوردند) و هرگز برای سنّت خداوند تغییری نخواهی یافت.

نکته ها

«تَقْفُوا» از «تَقَافَهُ» به معنای دست یافتن و چیره شدن دقیق و ماهرانه است، لذا به علم و فرهنگ، ثقافت گفته می شود.
بعضی مفسران تمام این سخت گیری ها را در مورد اذیت کننده مؤمن که در آیات قبل بود می دانند، ولی به نظر می رسد این همه تهدید و اعلام مهدورالدم بودن برای کسانی است که قصد اخلال در امنیّت جامعه و شکست نظام را دارند، نه تنها مزاحمان ناموس مردم.

پیام ها

- ۱- «مرگ بر منافق» یک شعار قرآنی است. «المنافقون... ملعونین»
- ۲- اجرای حکم خدا در مورد فتنه انگیزان حقّ ستیز، به زمان و مکان و مرز محدود نیست. «اینما تقفوا اُخذوا»
- ۳- برای فتنه انگیزان و اخلال گران امنیّت جامعه، هیچ جایی نباید محل امن باشد. «اینما تقفوا اُخذوا»
- ۴- فرار فتنه انگیزان، نباید مانع برخورد شما شود. «اینما تقفوا اُخذوا»
- ۵- در دستگیری دشمنان، همه مردم باید بسیج شوند. «اینما تقفوا اُخذوا»

- ۶- آنان که امنیت مردم را به هم می زنند، امنیت جانی ندارند. «أخذوا و قتلوا»
- ۷- گاهی باید توطئه ی شوم دشمن را که در قالب جنگ سرد است با جنگ گرم پاسخ داد. «مرجفون - قتلوا»
- ۸- کسانی که از ایجاد فتنه و دلهره دست بر نمی دارند، باید با شدت و ذلت کشته شوند. «قتلوا تقتیلا»
- ۹- جهاد علیه فتنه گران، یک سنت الهی در همه ی ادیان بوده است. «سنة الله»
- ۱۰- در شیوه ی تبلیغ، احکام سخت و سنگین را با سابقه ی آن در طول تاریخ گره بزنید. «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم» بقره، ۱۸۳. «و کاین من نبی قاتل معه...» آل عمران، ۱۴۶. «قتلوا تقتیلا سنة الله ... من قبل»
- ۱۱- مقام انسانیت و ارزش امنیت در همه ی ادیان الهی به قدری است که سخت ترین مجازات ها در مورد کسانی که از این راه به جامعه ضربه می زنند اعمال می شود. «قتلوا - سنة الله ... من قبل»
- ۱۲- قانون اعدام فتنه انگیزان و اخلال گران، تبدیل ناپذیر است. «ولن تجد لسنة الله تبدیلا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۶۳

آیه

يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

ترجمه

مردم پیوسته از زمان وقوع قیامت از تو می پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

نکته ها

انگیزه های سؤال متعدد است:

- * گاهی سؤال، برای آزمایش کردن است. مانند سؤالات امتحانی.
 - * گاهی سؤال، از روی استهزا است. مانند پرسش قدرتمند متکبر از ضعیف.
 - * گاهی سؤال، از روی تعجب است. مانند پرسش انسان ترسو از انسان شجاع.
 - * گاهی سؤال، برای به بن بست کشاندن است. مانند پرسش بازپرس از مجرم.
 - * گاهی سؤال، برای به انحراف کشیدن است. مانند پرسش استاد منحرف از شاگرد.
 - * گاهی سؤال، برای ایجاد شک در دیگران است. مانند پرسش منحرفان.
 - * گاهی سؤال، برای رفع نگرانی است. پرسش مادر از فرزند.
 - * گاهی سؤال، برای دانستن است. مانند پرسش جاهل از عالم.
 - * گاهی سؤال، برای تویخ است. مانند پرسش معلم از دلیل تنبلی شاگرد.
- در این آیه نیز، سؤال از زمان قیامت می تواند انگیزه های متفاوتی داشته باشد.
- کلمه ی «قرب» برای مذکر و مؤنث به کار می رود. «لعل الساعة تكون قريبا» و نفرمود: «قريبة»، نظیر جمله ی «ان رحمت الله قريب من المحسنين» بجن، ۲۶. 27 -

پایان آیه نوعی دلجویی از پیامبر است که از بهانه های کفار خسته مباش که به زودی به حسابشان رسیدگی می شود. «تكون

قربيا» (۴۴۳) اعراف، 56

پیام ها

- ۱- با این که خداوند انبیا را از غیب آگاه می کند، «لا يظهر علی غیبه احداً الا من ارتضى من رسول» ۴۴۴. لیکن آگاهی انبیا نیز محدود است. «علمها عند الله»
- ۲- نه لازم است همه چیز را بدانیم و نه لازم است به هر سؤالی پاسخ دهیم. «علمها عند الله»

۳- ندانستن زمان وقوع قیامت، به ایمان و یقین به اصل آن، ضرری نمی زند. «علمها عند الله»

۴- برخی علوم مخصوص خداست. «علمها عند الله»

۵- هر ندانستی عیب نیست. «و ما یدریک» (بلکه اگر زمان وقوع قیامت را بدانیم تعادل خود را از دست می دهیم.)

۶- در تربیت باید افراد را میان بیم و امید نگاه داشت. «لعل»

۷- برای وقوع قیامت هر لحظه باید آماده باشیم. «لعل الساعة تكون قریبا»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۶۴،۶۵

آیه

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

ترجمه

همانا خداوند کافران را لعنت کرده (و از لطف خود دور نموده) و برای آنان آتش فروزانی فراهم کرده است.

آنان برای همیشه در آن می مانند و دوست و یاور (برای خود) نمی یابند.

پیام ها

۱- قهر الهی نسبت به کافران قطعی است. «أعدَّ» دوزخ هم اکنون موجود است.

۲- کافران نه مولایی دارند که آنان را از ورود به دوزخ حفظ کند و نه یآوری که آنان را نجات دهد. «لا یجدون ولیا ولا نصیرا»

۳- بت ها و طاغوت ها در قیامت بی اثرند. «لا یجدون ولیا ولا نصیرا»

۴- کافران در قیامت به هر سو چشم می دوزند، اما چه سود! «لا یجدون...»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۶۶

آیه

يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

ترجمه

روزی که صورت های آنان در آتش گردانده می شود، (با حسرت) می گویند: ای کاش! خدا را اطاعت می کردیم و پیرو رسول

(او) بودیم.

نکته ها

ممکن است معنای آیه این باشد که صورت های کافران در اثر حرارت آتش، به رنگ های مختلفی در می آید.

پیام ها

۱- کافران در قیامت، نه تنها ولی و نصیری ندارند، بلکه اختیار صورت خود را نیز ندارند. «تقلَّب وجوههم»

۲- معاد جسمانی است. «تقلَّب وجوههم»

۳- غافلان در قیامت بیدار می شوند. «یا لیتنا»

۴- ندامت، در قیامت سودی ندارد. «یا لیتنا»

۵- اطاعت از خدا و رسول آرزوی دوزخیان خواهد بود. «یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا»

۶- اطاعت از خدا به همراه اطاعت از رسول کارساز است. «اطعنا الله و اطعنا الرسولا»

۷- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر ابلاغ فرمان الهی، خود نیز دستورهایی را برای مردم صادر می کرد. «اطعنا الله و اطعنا

الرسولا»

۸- تنها راه نجات، اطاعت از خدا و رسول است. «یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۶۷

آیه

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَعْطَيْنَا سَادَتَنَا وَكُبرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا

ترجمه

و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند.

نکته ها

«ساده» جمع «سید» به رؤسا و سران یک جامعه گفته می شود و «کُبراء» جمع «کبیر» به بزرگان سنی و ریش سفیدان اطلاق می شود. معمولاً این دو گروه نقش مهمی در آداب و رسوم و رفتار مردم دارند.

پیام ها

- ۱ - کسانی که در دنیا حتی یکبار «ربنا» نگفتند، در قیامت همراه با ناله و پشیمانی خواهند گفت: «ربنا»
- ۲ - مجرمان اشتباهات خود را توجیه می کنند و به گردن دیگران می اندازند. «أنا اطعنا سادتنا»
- ۳ - تقلید کورکورانه از پدران و بزرگان جامعه، مایه ی پشیمانی است. «أنا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا»
- ۴ - کافران در قیامت به انحراف خود اقرار می کنند؛ ولی چه سود. «اضلونا السبیل»

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۶۸، ۶۹

آیه

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

ترجمه

پروردگارا! آنان را عذاب دو چندان ده و به لعنتی بزرگ لعنت کن.

ای کسانی که ایمان آورده اید! مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، پس خداوند او را از آنچه (درباره اش به افترا) می گفتند، تبرئه فرمود و او نزد خداوند آبرومند بود.

نکته ها

در آیه ی ۵۷ مسأله ی ایدای پیامبر مطرح شد، در این آیه تأکید می کند که شما مثل بنی اسرائیل نباشید که موسی را اذیت کردند. مراد از تهمت که در مورد حضرت موسی مطرح شده، یا نسبتِ نقص جسمی است، یا نسبتِ قتل و یا سحر و جنون که شناخت موضوع آن در فهم آیه نقشی ندارد.

لعنت بزرگ، شاید همان لعنت آیه ۱۶۱ سوره ی بقره باشد که می فرماید: «ان الذین كفروا و ماتوا و هم كفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین» کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه ی مردم بر آنها خواهد بود.

پیام ها

- ۱ - تنها دعایی که از دوزخیان مستجاب می شود، دعا برای عذاب است. «تفسیر اطیب البیان» ***. ربنا آتهم ضعیفین من العذاب» چون در آیه ی دیگر می فرماید: «لکلّ ضعف» *** اعراف، ۳۷.***
- ۲ - گاهی رهبران الهی، از طرف مؤمنان هدف تهمت و اذیت قرار می گیرند. «یا ایها الذین آمنوا لا تكونوا»
- ۳ - لازمه ی ایمان، دوری از تهمت است. «یا ایها الذین آمنوا لا تكونوا...»
- ۴ - از بی اثر ماندن تهمت به اولیای خدا درس بگیرید و تهمت نزنید. «فبراه الله»
- ۵ - خداوند دامن انبیای خود را از تهمت های دشمنان پاک می کند. «فبراه الله...»

- ۶- تیره ی مردان خدا از تهمت کافی نیست، باید از آنان تجلیل شود. «فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً»
 ۷- تیره از تهمت و داشتن وجاهت، شرط موفقیت در رهبری است. «فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً»
 ۸- کسی را که به مأموریتی می فرستید و مسئولیتی به او می دهید، باید از او حمایت کنید. «فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۷۰، ۷۱

آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا
 يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حقّ و) استوار گوید.
 تا خداوند کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامزد؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، بدون شکّ به رستگاری بزرگی دست یافته است.

نکته ها

«قول سدید» سخنی است که در آن سستی و لغو و دروغ و نفاق نباشد. سخنی که همچون سدّی محکم، جلو شکّ و شبهه و فساد را بگیرد.

پیام ها

- ۱- لازمه ی ایمان، داشتن تقواست، «یا ایّها الذین آمنوا اتقوا الله» و لازمه ی تقوا سخن استوار است. «اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً»
- ۲- انسان مؤمن شایستگی تقوا و قول سدید را دارد. «الذین آمنوا - اتقوا - قولوا»
- ۳- نشانه ی ایمان، هم ظاهری است، «قولا سدیداً» و هم باطنی. «اتقوا الله»
- ۴- سخن سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد. «قولوا قولا سدیداً»

۵- هر شنیده ای قابل بازگو کردن نیست. «قولا سدیداً»

۶- اگر انسان در رفتار و کردار تقوا را مراعات کند، باقی مسائل را خداوند حل می کند. «یصلح لكم اعمالکم و یغفر لكم» (نظیر آیه ۳۱ سوره نساء که می فرماید: «إن تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنکم سیئاتکم»، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید دوری کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم.)

۷- کلید رستگاری، پیروی از خدا و رسول است. «و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظیماً»

سوره ۳۳- احزاب آیه ۷۲

آیه

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ترجمه

همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است.

نکته ها

در حدیث می خوانیم: هنگامی که وقت نماز فرا می رسید، لوزه بر اندام حضرت علی علیه السلام می افتاد و می فرمود: وقت نماز است، نماز همان امانت الهی است که کوه ها و آسمان ها از تحمل آن سر باز زدند. **تفسیر نورالتقلین.*** در زیارت جامعه

کبیره خطاب به اهل بیت علیهم السلام می خوانیم: «انتم الامانة المحفوظة» شما آن امانت حفظ شده هستید. بین حمل و تحمیل فرق است. انسان امانت الهی را پذیرفت و آن را حمل کرد، نه آنکه بر او تحمیل شده باشد. شاید این آیه واقعیت هایی را در مورد انسان بیان می کند که هنوز عقل بشر به آن نرسیده است. اما آنچه از ظواهر آیه فهمیده می شود این است که خداوند ویژگی ها و امتیازات خاصی به بشر داده که هیچ یک از موجودات در آسمان و زمین آن را ندارند و این امتیازات امانت الهی است و برای انسان مسئولیت آور است، اما بسیاری از انسان ها در این امانت خیانت کرده و از آن در مسیر خلاف خواست خداوند بهره می برند.

عقل و اراده که باید در مسیر شناخت حق و انتخاب آن به کار رود تا مایه ی رشد و کمال بشر شود، راههای باطل به کار گرفته شده و منجر به گسترش ظلم و ستم گشته است، تا آنجا که رفتار بشر جاهلانه و نابخردانه شمرده می شود.

پیام ها

۱- انسان، برتر از آسمان ها و زمین است. انسان، امین خدا در هستی است. «أنا عرضنا الامانة على السموات والارض... فابین... و حملها الانسان»

۲- هستی شعور دارد. «عرضنا الامانة على السموات والارض و...»

۳- نعمت های الهی به انسان (عقل، اراده، فطرت، هدایت پیامبران و...) امانت الهی است. در امانت خیانت نکنیم که از بزرگ ترین ظلم ها است. «أنا عرضنا الامانة... ظلوماً»

۴- آنچه انسان پذیرفت ولی آسمان و زمین نپذیرفتند، چیزی غیر از قنوت و تسبیح و سجده بود، زیرا تسبیح و قنوت را زمین و آسمان ها به راحتی پذیرفته اند. «وإن من شیء الا یسبح بحمده... اسراء، ۴۴***، «کل له قانتون... روم، ۲۶***».

سوره ۳۳ - احزاب آیه ۷۳

آیه

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً

ترجمه

تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (به علت ضایع کردن امانت) عذاب کند، و لطف خود را بر مردان و زنان با ایمان برگرداند (و توبه ی آنان را بپذیرد) که خداوند آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها

توبه خداوند بر بندگان، به معنای برخوردار کردن آنان از عنایت های ویژه است که با حرف «علی» می آید، «یتوب الله علی» و توبه بندگان، بازگشتن به سوی خدا و رو کردن به سوی اوست که همراه با «الی» می آید.

پیام ها

۱- امانت الهی مسئولیت آور است. آنکه امانت را حفظ کند، مشمول رحمت و آنکه با کفر و شرک، خیانت کند، کیفر می بیند. «لیعذب الله المنافقین... و یتوب الله علی المؤمنین»

۲- منافق، در ردیف مشرک است. «المنافقین... المشرکین»

۳- زن و مرد در صعود به کمالات یا سقوط در پستی ها، یکسانند. «المنافقین و المنافقات، المشرکین و المشرکات، المؤمنین و المؤمنات»

۴- گرچه خداوند مشرکان و منافقان را کیفر می دهد، اما اصل در برخورد او با انسان ها، مغفرت و رحمت است. «لیعذب الله المنافقین... کان الله غفوراً رحیماً»